

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُم

# پیام های امین

فضیلت های ماندگار قرآن و اهل بیت علیهم السلام

ویژه مقطع متوسطه

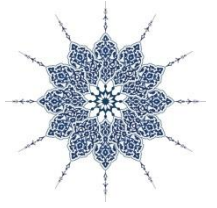
مدارس امین پسرانه

واحد پژوهش معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم

## مرکز مدیریت حوزه علمیه قم واحد پژوهش و برنامه ریزی

پیام های امین متوسطه اول و دوم واحد پژوهش و برنامه ریزی آموزشی	نام کتاب: پدیدآورنده: مدیریت برنامه ریزی و تألیف:
دفتر تألیف کتاب های آموزشی امین قم محمد غلامرضایی، سید محمد حسین تقوی (عضو شورای برنامه ریزی و تألیف کتب آموزش و پرورش)، محمد رجیبی، محمد حسن زنگویی، علی رجیبی (اعضای شورای برنامه ریزی)	شناسه افزوده برنامه ریزی و تألیف: مدیریت آماده سازی هنری: شناسه افزوده آماده سازی: نشانی مرکز: ناشر: سال انتشار و نوبت چاپ:
هنر و رسانه حوزه علمیه قم قم، مدرسه عالی دارالشفاء، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، معاونت تبلیغ معاونت تبلیغ حوزه علمیه قم چاپ اول ۱۴۰۰	

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به واحد پژوهش و برنامه ریزی آموزشی معاونت تبلیغ و ارتباطات حوزه علمیه قم می باشد و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاههای مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع مجاز می باشد و از همگان در ترویج و تبلیغ محتوای کتاب دعوت بعمل می آید.



در عرصه تربیت

جنگ را جدی بگیرید

عده‌ها  
۹۶/۰۵/۳۰

جنگ را جدی بگیرید؛ یک عده‌ای میخواهند نفهمیم دشمن مشغول چه کاری است. در عرصه‌ی تربیت انسانهای والا، باهمت، رشید و شجاع و باهدف - در عرصه‌ی این تربیت مهم - یک جنگی برپا است؛ یک عده‌ای میخواهند جوان مؤمن، جوان مسلمان، جوان ایرانی با این خصوصیات پرورش پیدا نکند.



سوره توبه	قرآن شناسی	گام اول
مأموریت ابلاغ سوره توبه		
آثار نافرمانی خدا		

مهمترین واقعه تاریخ اسلام	دین شناسی	گام دوم
صحابه و اهل بیت <small>علیهم السلام</small>		
بزرگترین انحراف		

ثمرات ولایت پذیری	الگو شناسی	گام سوم
دشمن شناسی		
حاج قاسم شهید		

### مقدمه

مجموعه «پیام های امین» با رویکرد قرآن و اهل بیت علیهم السلام و با محوریت «طرح تربیتی مدارس امین» حوزه های علمیه تدوین شده است. همچنین با توجه به راهکار سند تحول در زمینه تقویت همکاری با حوزه های علمیه<sup>۱</sup>، طرح تربیتی مدارس امین، برنامه حوز های علمیه در زمینه اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آنچه امروز در قالب طرح مدارس امین اجرا میشود حاصل تعامل سازنده آموزش و پرورش و حوزه علمیه است که به بهترین شکل طبق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حال اجرا در مدارس است.<sup>۲</sup> از مهمترین اهداف این مجموعه تقویت انس با قرآن در دانش آموزان، اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی، التزام به ارزشهای اخلاقی، ارتقاء معرفت و بصیرت دینی، انقلابی و سیاسی، ایجاد ساز و کارهای ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ولایت مداری، تولی و تبری است.

موضوعات و درس های این کتاب در سه گام طراحی شده است که عبارت اند از:

گام اول؛ قرآن شناسی. گام دوم؛ دین شناسی. گام سوم؛ الگوشناسی.

گام اول با محوریت سوره توبه فضیلت هایی که هر شخص متعهد و مومن باید کسب کند که عمدتاً در زمینه ایمان به خدا، معادباوری و خصوصاً توبه و تقوا است. گام دوم که مهمترین بخش این کتاب است و

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فصل هفتم هدف های عملیاتی و راهکارها ص ۴۱.

۲. طرح تربیتی مدارس امین، آشنایی اجمالی با سند تحول آموزش و پرورش، ص ۷۷.

با توجه به اینکه اتمام و اكمال دين، ولايت و امامت می باشد. لذا محور وحدت امت اسلامی و مصداق اكمل ولايت؛ امير المومنين؛ حضرت علی عليه السلام محور بحث قرار گرفته است. کما اینکه مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی بیان می دارند:

«اميرالمؤمنين (عليه الصلاة والسلام) شخصیتی است که همه‌ی فرق اسلامی درباره‌ی عظمت او، درباره‌ی خصوصیات او و درباره‌ی شأن و منزلت والای او در اسلام، با یکدیگر اتفاق نظر دارند.

لذا به جرأت میتوان گفت که علی بن ابی طالب (عليه الصلاة والسلام)، میتواند نقطه‌ی اشتراک و تلائم و همبستگی میان فرق اسلامی قرار بگیرد. در همه‌ی زمانها و دوره‌ها، فرقه‌های اسلامی - به جز گروه ناچیز و اندک نواصب که خارج از فرق اسلامی هستند - شأن اميرالمؤمنين (عليه الصلاة والسلام) را همان شأن والا و برجسته و ممتازی میدانستند که شما در کتابهای فریقین - چه شیعه و چه سنی - ملاحظه میکنید. بنابراین اميرالمؤمنين (عليه الصلاة والسلام) ملتی و محل اشتراک فرقه‌های اسلامی است و میتواند منبعی برای وحدت بین مسلمین به حساب بیاید. پس این یک نکته است که ما - چه شیعه، چه سنی و چه مذاهب گوناگون بین این فرقه‌ها - بیائیم و اميرالمؤمنين (عليه الصلاة والسلام) را ملاک و محور وحدت قرار بدهیم.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه کمال انسان به مقدار اکتساب فضائل اخلاقی است. خداوند متعال، پیامبر اعظم و امامان معصوم عليهم السلام را که مظهر کمالات و فضیلت های انسانی و الهی هستند الگوهای عملی انسان ها و جامعه ها قرار داده است. از طرفی با توجه به اینکه دين با ولايت کامل می شود در این راستا اولین امام؛ امير المومنين؛ حضرت علی عليه السلام بعنوان اولین جانشین و خلیفه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و محور وحدت امت اسلام، فضیلت های بیشماری دارد که سعی شده است برخی از این شایستگی ها و فضیلت ها بیان شود.

در گام سوم بعد از شناخت قرآن و دين، به معرفی انقلاب اسلامی به عنوان الگوی ولایتمداری همچنين معرفی دشمنان این انقلاب و ولايت پرداخته می شود. از طرفی بهترین نوع القای معارف، معرفی الگوی جامع و کامل و قابل دسترس مخاطبین می باشد لذا در آخرین درس به موضوع مکتب سلیمانی به عنوان

---

۱ . بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد حضرت علی (عليه السلام) ۱۳۸۷/۴/۲۶.

مصادق بارز ولایتمداری و انقلابی گری پرداخته شده است. البته در این کتاب به موضوع «ولی شناسی<sup>۱</sup> و ولایت مداری» بیشتر توجه شده است.

حسین مردانپور

## انتظارات

انتظار می رود مخاطب بعد از اجرای طرح:

- ✓ ایمان به غیب و تقوا را سرلوحه زندگی خود قرار دهد.
- ✓ با آیات ولایت و فضیلت حضرت علی علیه السلام آشنا شود
- ✓ بتواند آموخته های خود را به دیگران هم ارائه دهد.
- ✓ در مقابل مخالفان و مدعیان بتواند از امامت و خلافت بلافصل امیر المومنین علیه السلام دفاع کند.
- ✓ مستکبران و دشمنان ولایت و نظام اسلامی را بشناسد.
- ✓ حامی انقلاب بوده و از نظام اسلامی دفاع نماید.

امید است این مجموعه زمینه ای جهت تحقیق و تفحص و تفکر بیشتر مخاطبین در مسائل و موضوعات دینی و انقلابی را فراهم آورد.

---

۱. دعوت ما از همه ی مسلمانان عالم این است که این حقائق را مورد تأمل قرار بدهند. ما در عالم وحدت امت اسلامی هیچ اصراری نداریم که یک فرقه عقائد یک فرقه ی دیگر را حتماً قبول کنند؛ نه، وحدت به معنای این نیست. وحدت به معنای این است که با عقائد مختلف، شعب مختلف، مشترکات را بگیرند، موارد محل اختلاف را وسیله ی برادرکشی و جنگ و دشمنی قرار ندهند؛ مسئله ی وحدت این است. اما به عنوان بیان حقیقت و طلب حقیقت، این یک درخواست منطقی است از همه ی مسلمانان: بروند تحقیق کنند، ملاحظه کنند، آنچه را که محققین شیعه نوشتند، علمای بزرگ شیعه در زمان خود ما جمع کردند، نوشتند، تحقیق کردند، در دنیای اسلام آنها را عرضه کردند، نوشته ی آنها مورد تقدیر علمای اسلام، روشنفکران اسلام، برجستگان اسلام قرار گرفته است، اینها را ملاحظه کنند؛ خودشان را محصور نکنند، محروم نکنند. کتابهای مرحوم سید شرف الدین عاملی (رضوان الله علیه)، کتاب شریف الغدیر تألیف علامه ی امینی، اینها حقایقی است که جمع شده است. مسئله ی غدیر یک مسئله ی مسلم تاریخی است. در ده ها کتاب، مرحوم امینی ده ها طریق از طرق اهل سنت را نقل میکند که ماجرای غدیر را به همین شکل که ما نقل میکنیم، نقل کرده اند. این چیزی نیست که فقط در کتابهای ما باشد. حالا در معنای مولا، بعضی ممکن است خدشه کنند، بعضی خدشه هم نمیکند. ماجرا یک ماجرای حقیقی، واقعی و بیان معیار است؛ مشخص است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه آلاف التحية والسلام) یک قله ی مرتفع است؛ هم برای حاکم اسلامی و حکومت اسلامی، هم برای هر فرد مسلمان. بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه العالی در دیدار مردم به مناسبت عید غدیر. ۱۳۸۸/۹/۱۵.

## راهنمای کتاب

### ۱. تلاوت نور؛ آیات موضوعی<sup>۱</sup>

با توجه به رویکرد قرآنی کتاب، ابتدا آیات توسط دانش آموزان قرائت شده و بعد از آشنایی با ترجمه آیات، نکات تفسیری آیات منتخب بصورت مختصر و متناسب با ظرفیت کلاس ارائه گردد. لذا انتظار می رود مربیان عزیز قبل از کلاس به تفسیر آیات منتخب مراجعه کرده و کتاب تفسیر را به کلاس آورده و از روی تفسیر قرآن نکات را بخوانند تا دانش آموزان با کتب تفسیری آشنا شوند<sup>۲</sup>. مناسب است از دانش آموزان درخواست شود برای جلسه بعدی آیات را حفظ کرده و حافظان از امتیاز کلاسی برخوردار شوند.

### ۲. احادیث موضوعی

عقل بشر در برابر احادیث نورانی اهل بیت علیهم السلام حضوع میکند و روح تشنه انسان سیراب می شود. در همین راستا احادیث موضوعی سبب معرفت در موضوعات خاص دینی شده و زمینه را جهت تفکر بیشتر در دین و موضوعات دینی فراهم می آورد. وظیفه ما ابلاغ کلام ناب اهل بیت علیهم السلام به مخاطبین است تا چراغ راهی در مسیر پرپیچ و خم زندگی باشد. شایسته است مربی نسبت به بیان احادیث و ارائه توضیحات کافی و پاسخ به سوالات مخاطبین اهتمام جدی داشته و از دانش آموزان بخواهد احادیث را حفظ نمایند و امتیازی هم برای ممتازین ثبت شود.

### ۳. فعالیت کلاسی

در فعالیت های کلاسی مربی دانش آموزان را به چند گروه تقسیم کرده و برای هر گروهی یک دبیر مشخص می نماید. بعد از اینکه موضوع به گروه سپرده شد، اعضای گروه نسبت به موضوع به بحث و گفتگو می پردازند و در نهایت دبیر گروه، مطالب را جمع بندی و بعنوان نماینده گروه در کلاس ارائه می دهد. در هنگام بحث و گفتگو مربی باید هم نظم کلاس را مدیریت نماید و هم با سرزدن به گروهها در روند بحث و گفتگو قرار گرفته و گاهی مطالبی تکمیلی ارائه نماید.

۱. تمرکز بر آیات موضوعی، باعث تثبیت بهتر موضوع در ذهن مخاطب می گردد.

۲. مناسب است ترجمه اسم سوره ها و فضیلت تلاوت آن هم برای دانش آموزان بیان شود.



#### ۴. او کیست؟

متناسب با موضوع هر درس، تصویری ارائه می گردد تا دانش آموزان با مفاخر و چهره های ماندگار میهن اسلامی آشنا شوند. شایسته است مربی قبل از جلسه اطلاعات کافی از چهره ماندگار مورد نظر داشته باشد و در صورت امکان جهت تثبیت مفاهیم دینی همراه با دانش آموزان به آرامگاه چهره مورد نظر رفته و از نزدیک تاریخچه زندگی او را مرور نمایند. در غیر اینصورت از اردوی مجازی بر روی پرده نمایش استفاده شود.

#### ۵. اینجا کجاست؟

معرفی اماکنی که یادآور علقه های دینی و مذهبی باشد زمینه و بستر مناسبی جهت تقویت ایمان و روحیه دین داری است. در صورت امکان مربی همراه دانش آموزان در این مکان ها حضور یابد و از نزدیک روایتگری نماید در غیر اینصورت از اردوی مجازی و بهره گیری از فیلم ها و مستندهای مربوطه مفاهیم دینی را به دانش آموزان انتقال دهد.

#### ۶. دعا و نیایش در محضر صحیفه سجادیه

در این بخش دعای مناسب موضوع درس از صحیفه سجادیه ذکر می شود و مربی با توجه و دقت دعا و ترجمه آن را برای مخاطبین قرائت می نماید. بهترین زمان ارائه این دعا انتهای کلاس است. سعی شود زمینه آمادگی برای قرائت این دعا فراهم شود همچون سکوت، آرامش و آمادگی مخاطبین.

#### ۷. تحقیق و کنفرانس کلاسی

در این قسمت تحقیق در زمینه موضوعاتی که در کتاب نیست از دانش آموز خواسته می شود که نیاز به تحقیق و پرس و جو از دیگران دارد. بعد از اینکه دانش آموزان تحقیقات خود را تکمیل نمودند نتیجه این تحقیقات را در کلاس با مدیریت مربی به دانش آموزان ارائه می دهند. امتیاز تحقیق و کنفرانس زمینه مناسبی جهت تشویق دانش آموزان به تحقیق خواهد بود. شایسته است مربی مقدماتی از روش های تحقیق را به دانش آموزان ارائه دهد تا تحقیقات علمی و انگیزه دانش آموزان بیشتر شود. تمام دانش آموزان باید پرونده تحقیق داشته و تا انتهای سال تحصیلی حداقل یک تحقیق کامل ارائه داده باشند.

## ۸. پرسش

در انتهای درس و قبل از شروع درس جدید مربی مفاهیم ارائه شده درسی را بصورت پرسش از دانش آموزان پرسیده تا مطالب قبلی در ذهن دانش آموزان تثبیت شود. مربی باید توجه نماید تا زمانیکه اکثر دانش آموزان، مطالب درس را فرانگرفته باشند درس بعدی شروع نشود.

## ۹. کتابشناسی

در این قسمت برخی از منابع درس مربوطه به همراه تصویر نویسنده و یا کتاب ارائه می گردد که دانش آموزان باید نام کتاب و یا نام نویسنده را بگویند. هدف اصلی در این درس معرفی کتب و منابع اصیل دینی و تشویق به مطالعه می باشد. لذا مناسب است مربی حتما کتاب مورد نظر را تهیه نموده و به همراه خود به کلاس بیاورد و فقراتی از کتاب را بصورت انگیزشی قرائت نموده و مخاطبین را به مطالعه بیشتر کتاب تشویق نماید.

## ۱۰. بانک تولیدات رسانه ای

از دانش آموزان خواسته شود تا موضوعات درس را (آیه ، روایت، داستان...) بصورت محتوای رسانه ای تولید نموده تا در بانک تولیدات رسانه ای جهت استفاده عمومی بارگذاری شود. ضمن اینکه مربی به دانش آموزان اطلاع رسانی می نماید که می توانند با مراجعه به بانک رسانه، از تولیدات رسانه ای مربوط به درس های کتاب جهت تثبیت موضوعات درس بهره ببرند.

## ۱۱. آموختم

در این بخش دانش آموزان خلاصه آموخته های خود را نوشته و با روش فیش برداری و خلاصه نویسی آشنا میشوند. مناسب است مربی در این زمینه خصوصا روش های خلاصه نویسی توضیحاتی را به دانش آموزان ارائه دهد.

## ۱۲. تریبون آزاد

بعد از اتمام تمام مراحل درس نوبت به تریبون آزاد می رسد از تمام دانش آموزانی که سوال، شبهه و یا ابهامی در زمینه موضوع درس (توبه) دارند درخواست می شود حرفشان را بزنند و اگر کسی هم داوطلب پاسخگویی بود می تواند پاسخ دهد در غیر اینصورت مربی سوالات، شبهات و ابهاماتی که متناسب با مخاطبین باشد را مطرح و از دانش آموزان درخواست می کند که بصورت داوطلب پاسخ دهند. تریبون آزاد دانش آموزی با هدف بصیرت‌افزایی در بُعد سیاسی، فرهنگی، تقویت روحیه مطالبه‌گری و ایجاد نشاط و پویایی بین دانش آموزان تشکیل می شود.

## ۱۳. گروه سرود

«سرود وسیله‌ی تبلیغی بسیار خوبی است و باب {طبع} جوانان و نوجوانان است»<sup>۱</sup>.

سرود یک ابزار جذاب و بسیار عامه پسند جهت تبلیغ و ترویج ارزش هاست. نغمه‌های گروهی در قالب گروه‌های سرود بسیار مؤثرتر از یک تکخوانی است. تاثیری که سرود و نغمه‌های گروهی و به طور کلی هنر در انتقال مفاهیم دارد بی‌بدیل است و همین مهم سبب می شود سرود همچنان علی‌رغم رشد رسانه‌ها و قالب‌های موسیقایی جدید، جایگاهی ارزشمند داشته باشد. با رجوع به تاریخ معاصر شاهد تاثیر گروه‌های سرود دانش‌آموزی مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی و مخصوصاً هشت سال دفاع مقدس هستیم. گروه‌هایی که با اشعاری حماسی روح حماسه، تحرک و جهاد را در کالبدها می دمید.

با توجه به این تاثیر مشخص می شود که اگر به سرود به صورت تخصصی تر و علمی تر توجه شود می توان این تاثیر را افزایش داد و این هنر را از مهجوریت بیرون آورد.

لازم است با همکاری معاون پرورشی مدرسه دانش آموزان علاقمند در این زمینه را شناسایی و دعوت به گروه سرود کرد.

۱. بیانات در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان ۱۳۸۴/۲/۱۱

## روش تشکیل گروه سرود:

خوب است، در هر فضای فرهنگی مثل مدرسه، مسجد و... از بین بچه ها، به شکل داوطلبانه گروهی تشکیل شود برای تست صدا، بعد از آن متنی را به آن ها داده تا به صورت تمرینی بخوانند، میزان زیر و بمی صدای آن ها را تشخیص داده و نفس گیری آن ها را بسنجید، افراد با صدای بم و نفس گیری خوب را برای گروه تک خوانی انتخاب کنید، و از هر نوع صدا (زیر و بم) افرادی را برای اعضاء گروه انتخاب کنید توجه داشته باشید که صدای خوب فرد کافی نیست، تسلط او در اجرا و جرأت رو برو شدن با مخاطب نیز مسائل مهمی هستند. از همان تمرین اول تأکید بر حفظ متن توسط اعضا کنید. وجود یک رهبر گروه خوب کیفیت اجرا را بالا می برد، رهبر گروه می تواند از بین اعضاء گروه انتخاب شود و یا مربی تربیتی مدرسه این مسئولیت را به عهده بگیرد در هر صورت او باید به طور کامل با ریتم و آهنگ و متن سرود آشنا باشد تا بتواند راهنمایی های لازم را انجام دهد.

## روش تمرین:

روش ها متفاوتند اما روشی را که ما پیشنهاد می کنیم این است که:

۱. ابتدا سرودی را که انتخاب نموده ایم و آماده تمرین است را چند مرتبه پخش می کنیم و به اعضاء گروه سرود تأکید می کنیم فقط گوش دهند. حداقل سه تا پنج مرتبه.
۲. از ابتدای سرود یک یا دو بیت را هدف قرار داده و تکرار می کنیم. مثلاً ده بار متوالی به این صورت که پنج مرتبه اول دو بیت پخش شده فقط گوش داده شود.
۳. دفعات ششم و هفتم دو بیت در حال پخش زیر لب زمزمه شود به گونه ای که صدای ما را کسی نشنود.
۴. دفعات هشتم و نهم زمزمه ای بلند تر (با مشخص شدن جوهره ی صدا)
۵. دفعه ی دهم (آخرین بار) با صدای طبیعی خوانده شود. اگر دو بیت را صحیح خواندند سراغ دو بیت بعد خواهیم رفت و در غیر این صورت تمرین مجدداً تکرار می شود تا دو بیت اول کاملاً تفهیم شود.
۶. به همین صورت دو بیت دو بیت آموزش را ادامه می دهیم تا تمام سرود جزء جزء آموخته شود.
۷. در پایان یک مرتبه با صدای زمزمه ای تمام سرود را مرور می کنیم.

۸. برای جلسات بعد سرود خوانده شده را برای گوش دادن اعضاء ( فقط گوش دادن ) به اعضاء  
تقديم می کنیم.

نکات مهم:

۱. تا زمانی که تمام سرود را جزء جزء آموزش نداده ایم. سی دی یا کاست سرود خوانده شده را  
تحویل اعضاء نمی دهیم. این تأکید نکته ی بسیار مهمی در دریافت صحیح قالب اجرای  
سرودهاست.

۲. اصولاً اعضاء ملودی بدون کلام سرود را نداشته باشند بهتر است. چرا که اگر امتحان بفرمایید در  
نهایت می بینید هر عضوی برداشت متفاوتی در هر بیت از نحوه ی خواندن داشته است.

#### ۱۴. ارزشیابی مستمر

- قرائت صحیح آیات
- حفظ آیات و احادیث موضوعی
- مشارکت فعال در فعالیت کلاسی گروهی
- پاسخ به پرسش ها
- انجام تحقیقات و کنفرانس در کلاس

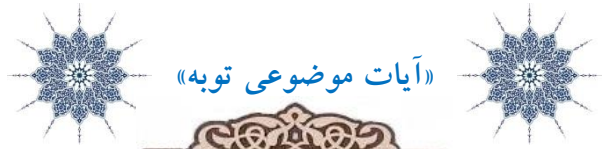
#### ۱۵. ارزشیابی پایانی

این ارزشیابی در پایان هر بخش صورت می گیرد و فقط هم بصورت آزمون شفاهی و بر اساس فهمیدن  
مفاهیم و معارف خواهد بود. باید رسیدن به اهداف درس ها و بخش ها در این ارزشیابی احراز گردد.

# گام اول

قرآن شناسی





«آیات موضوعی توبه»

## طرح تلاوت نور

(۱) **إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ<sup>۱</sup>**

مگر آن که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد. پس خدا اعمال زشت ایشان را به اعمال نیک تبدیل می کند.

(۲) **إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ<sup>۲</sup>**

به راستی که خداوند شرک ورزیدن را نخواهد بخشید، ولی آنچه را کمتر از آن است، برای کسی که بخواهد، خواهد بخشید.

(۳) **قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَ أُنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ<sup>۳</sup>**

۱. فرقان / ۷۰. (فرقان یک از نام های قرآن و به معنی جداکننده حق از باطل است)

۲. نساء / ۴۸. (نسا به معنی زنان است)

۳. زمر / ۵۳ و ۵۴. (زمر به معنی گروه و دسته است)

\* در این آیه خداوند به رسول خدا امر می کند تا برای تشویق کافران به اجابت دعوت حقه او، آنها را با نام (بندگان من) بخواند و نیز بدانند که بنده و عبد خدایند و خدامولای آنهاست و حق مولا بر بنده اش این است که بنده از او امر مولایش اطاعت کرده او را عبادت کند و مولا هم حق دارد که آنها را به اطاعت و عبادت خود دعوت نماید. مراد از (اسراف بر نفس) تجاوز از حد بندگی و ارتکاب گناه است (شرک و گناه کبیره و یا صغیره) و مراد از (قنوط) ناامیدی و یأس می باشد. به هر حال در اینجا پیامبر خطاب به کفار و مشرکین از جانب خداوند می فرماید: ای بندگان من که با گناه و شرک بر نفس خود تجاوز و ستم نموده اید، از رحمت اخروی و مغفرت پروردگار ناامید نشوید و بدانید آنچه را که در جنب پروردگار کوتاهی نموده اید می توانید با توبه جبران کنید، چون خدا همه گناهان حتی شرک را هم با وجود توبه حقیقی می آمرزد، چون او الله است که آمرزنده و مهربان می باشد، پس مغفرت خداعام است، اما آمرزش گناهان هر کس سبب می خواهد و به گزاف و بیهوده صورت نمی گیرد و سبب مغفرت به فرموده قرآن دو چیز است: ۱- توبه ۲- شفاعت. ولی چون این آیه خطابش متوجه عموم مردم اعم از کافر و مؤمن است، و بطور مسلم شفاعت به کفار یا مشرکین تعلق نمی گیرد، لذا فقط یکی از این دو سبب باقی می ماند که همان توبه است چون شرک جز با توبه آمرزیده نمی شود (به خلاف سایر گناهان که با توبه یا شفاعت و یا هر دوی آنها مشمول مغفرت الهی قرار می گیرند). تفسیر المیزان.

بگو ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده اید! از رحمت خداوند نومید نشوید که خدا همه گناهان را می آمرزد، به درستی که خداوند بخشنده مهربان است. و به درگاه پروردگارتان باز گردید و در برابر او تسلیم شوید، پیش از آنکه عذاب به سراغ شما آید، سپس از سوی هیچ کس یاری نشوید

### (۴) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ<sup>۱</sup>

به راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می دارد

### (۵) وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ<sup>۲</sup>

«و آنها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا افتاده، پس برای گناهان خود طلب آمرزش می کنند. و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد.»

۱ . بقره / ۲۲۲. (بقره به معنی گاو ماده است)

۲ . آل عمران / ۱۳۵. (آل عمران به معنی خاندان عمران است)

۳ . از امام صادق علیه السلام نقل شده است: وقتی که این آیه نازل شد، ابلیس بالای کوهی در مکه رفت و با صدای بلند فریاد کشید و سران لشکرش را جمع کرد. گفتند: ای آقای ما! چه شده است که ما را فرا خواندی؟ گفت: این آیه نازل شده (آیه ای که پشت مرا می لرزاند و مایه نجات بشر است. (چه کسی می تواند با آن مقابله کند؟ یکی از شیاطین بزرگ گفت: من می توانم و نقشه ام چنین است و چنان. ابلیس طرح او را نپسندید. دیگری برخاست طرح دیگری داد که آن هم مقبول نیفتاد. در اینجا «وسواس خناس» برخاست و گفت: من از عهده آن برمی آیم. ابلیس گفت: از چه راه؟ گفت: آنها را با وعده ها و آرزوها سرگرم می کنم تا آلوده گناه شوند و هنگامی که گناه کردند، توبه را از یادشان می برم. ابلیس گفت: تو می توانی از عهده کار برآیی و این مأموریت را تا دامنه قیامت به او سپرد. «المیزان، علامه طباطبائی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۲۰، ص ۵۵۷؛ تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۷۶، ۴۷۵). در مقابل، رهبران دینی دستور داده اند که توبه را تأخیر نیندازید و فوراً به آن اقدام کنید؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يا بَنَ مَسْعُودٍ لَا تَقْدِمِ الذَّنْبَ وَلَا تُؤَخِّرِ التَّوْبَةَ؛ (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۴، ح ۲۱۷۵). ای پسر مسعود! گناه را مقدم ندار [و گناه نکن و اگر گناهی سرزد] توبه را به تأخیر نینداز!»





## «احادیث موضوعی توبه»

(۱) التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ<sup>۱</sup>

توبه کننده از گناه مانند کسی است که گناه ندارد. «

(۲) ما من شيء أحبُّ إلى الله من شابٍّ تائبٍ<sup>۲</sup>

چیزی در نزد خداوند محبوب تر از جوانی که توبه می کند نیست.

(۳) يَا دَاوُدُ إِنَّ عَبْدِي الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ ذَنْبًا ثُمَّ رَجَعَ وَتَابَ مِنْ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَاسْتَحْيَى مِنِّي  
عِنْدَ ذِكْرِهِ غَفَرْتُ لَهُ وَأَنْسَيْتُهُ الْحَفْظَةَ وَابْدَلْتُهُ الْحَسَنَةَ وَ لَا أُبَالِي وَ أَنَا أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ<sup>۳</sup>

۱ . پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله؛ مشکاة الانوار، ص ۱۱۰.

۲ . رسول اکرم صلی الله علیه و آله، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۳۸، ح ۲۱۱۸.

۳ . امام صادق علیه السلام می فرماید: خداوند به داوود علیه السلام وحی کرد: .میزان الحکمه، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۱۸۵

ای داود! به راستی بنده مؤمن هر گاه گناهی انجام دهد، سپس برگردد و از آن گناه توبه کند، و هنگام یاد آن گناه از من حیا کند، گناه او را می بخشم و کاری می کنم که حافظان (نویسندگان) آن را از یاد ببرند و آن گناه را به حسنه تبدیل می کنم و [ از کسی ] باکی ندارم، در حالی که من مهربان ترین مهربانانم.

#### (۴) سِلَاحُ الْمُنْذِبِ الْاِسْتِغْفَارُ<sup>۱</sup>

اسلحه گنهکار طلب آمرزش است.

#### (۵) طُوبَى لِمَنْ وُجِدَ فِي صَحِيفَتِهِ تَحْتَ كُلِّ ذَنْبٍ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»<sup>۲</sup>

خوشا به حال آنکه در نامه اعمالش در پی هر گناهی «استغفر الله» باشد.

#### (۶) التَّنَزُّهُ عَنِ الْمَعَاصِي عِبَادَةُ التَّوَابِينَ<sup>۳</sup>

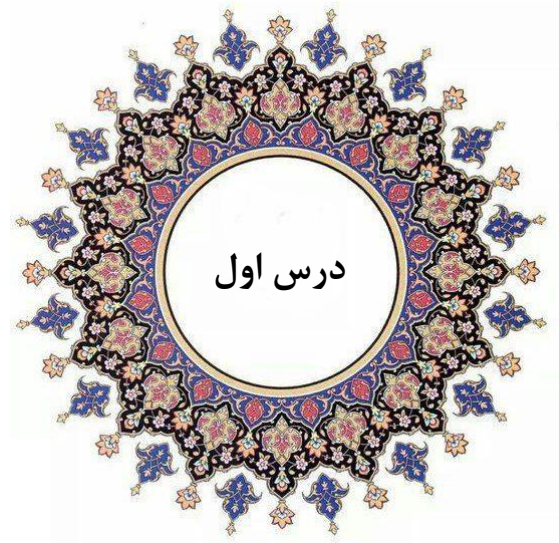
عبادت توبه کاران، پرهیز از معصیت است.



۱. حضرت علی علیه السلام، غررالحکم، ص ۱۹۵.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۲

۳. حضرت علی علیه السلام، غرر الحکم، ص ۲۶۸.

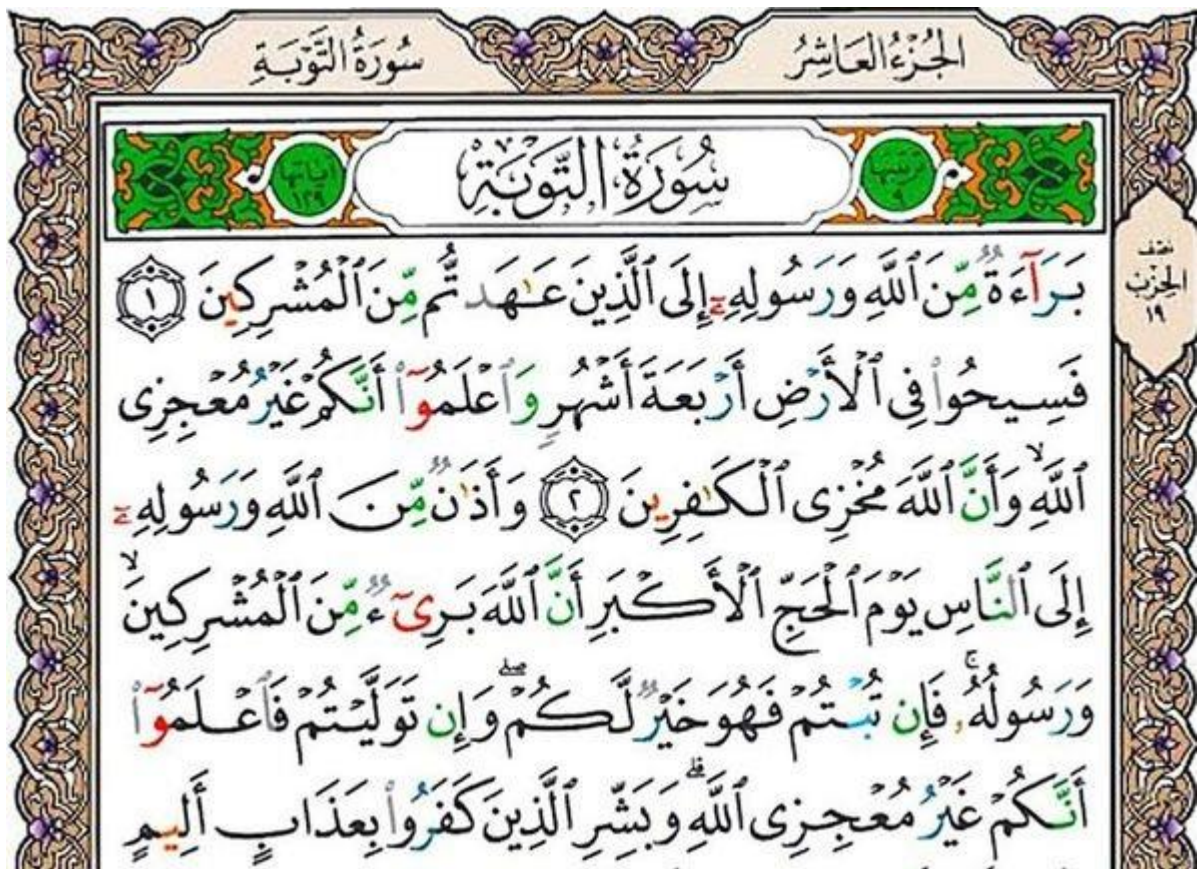


## آخرین سوره

- تقویت ایمان به غیب<sup>۱</sup>
- توبه و تقوا گرایی<sup>۲</sup>

---

۱. ایمان به غیب محوری ترین شاخصه طرح تربیتی مدارس امین حوزه های است.  
۲. گناه گریزی و تقوا یکی از شاخصه های اصلی طرح تربیتی مدارس امین است.



چه شده؟

مگر خدا غضب کرده؟

چرا «بسم الله» همراه سوره نازل نشده؟

تابحال سابقه نداشته سوره ای بدون بسم الله نازل شود!

در این درس می خواهیم با سوره توبه و معارف آن بیشتر آشنا شویم.

### تنها سوره بدون بسم الله

قرآن ۱۱۴ سوره و ۱۱۴ «بسم الله الرحمن الرحيم» دارد. البته تنهاترین سوره ای که در قرآن با بسم الله

الرحمن الرحيم شروع نشده سوره توبه است که نام دیگر این سوره، براءة است.

مفسران قرآن چند علت برای نیامدن بسم الله ابتدای سوره بیان کرده اند:

- این سوره به دنبال سوره انفال نازل شده و هر دو یک سوره به حساب می‌آیند<sup>۱</sup>.
  - «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آیه رحمت و امان است ولی سوره برائت برای برداشتن امان و رفع آن است؛ به همین دلیل بسم الله در آغاز این سوره نیامده است<sup>۲</sup>.
- علت اینکه این سوره توبه نامگذاری شده به این دلیل است که در این سوره آیات متعددی درباره توبه آمده است<sup>۳</sup>.

### ترتیب و محل نزول

سوره توبه جزو سوره‌های مدنی و در ترتیب نزول، صد و چهاردهمین (آخرین) سوره‌ای است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. این سوره در فهرست کنونی قرآن، نهمین سوره است<sup>۴</sup> و در جزء دهم و یازدهم قرآن جای دارد. بیشتر محققین و تاریخ‌نویسان برآنند که جمع و ترتیب سوره‌ها پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - برای نخستین بار توسط حضرت علی علیه السلام انجام گرفت<sup>۵</sup>. البته تعیین حجم و مقدار سوره و تعداد و جایگاه آیات، توسط خود پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - و به اذن الهی بوده است.



### امام علی علیه السلام مأمور ابلاغ سوره توبه

هنگام نزول آیات نخستین سوره توبه پیمان‌هایی را که مشرکان با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم داشتند لغو شد. (در سال نهم هجری)، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ابلاغ این فرمان، آن را به ابوبکر داد تا در موقع حج در مکه برای عموم مردم

۱. طباطبایی، المیزان، ۱۳۷۰ش، ج ۹، ص ۱۴۶

۲. ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ۱۳۷۶ش، ج ۹، ص ۱۶۳

\* خدا را شاهد می‌گیرم، اگر کسی سوره توبه را با دقت نخواند، معنای دشمن و دشمنی را در گذشته و حال حاضر متوجه نمی‌شود. (سخنرانی استاد فاطمی‌نیا، شب دهم محرم ۱۳۹۸)

۳. دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۹، ص ۵۹-۶۰.

۴. معرفت، آموزش علوم قرآن، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۶۸.

۵. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی.

بخواند؛ سپس آن را گرفت و به علی علیه السلام داد و امام علی علیه السلام مأمور ابلاغ آن گردید و در مراسم حج به همه مردم ابلاغ کرد.<sup>۱</sup> بسیاری از منابع اهل سنت این واقعه را گزارش کرده‌اند، اگرچه با عبارتهای مختلف<sup>۲</sup>؛ برای مثال احمد بن حنبل در کتاب مُسند نقل می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر را فرستاد و سوره توبه را به او داد (تا به مردم ابلاغ کند) سپس علی علیه السلام را به دنبال او فرستاد و آن را از او گرفت و فرمود: «ابلاغ این سوره تنها به دست کسی باید باشد که او از من است و من از اویم»<sup>۳</sup>. گفتنی است امام علی علیه السلام برای اثبات برتری‌اش بر دیگر صحابه و استحقاقش برای خلافت به این واقعه استدلال کرده است.<sup>۴</sup>

حال با توجه به اینکه محور بحث این درس، سوره توبه است از طرفی شکی نیست که توبه، لازم است. «زیرا گناهان به منزله سمومی هستند که به بدن آسیب و ضرر می‌رسانند و چنانکه بر کسی که سم خورده لازم است مبادرت به استفراغ نماید تا بدن در شرف مرگ را نجات دهد، بر گناهکار نیز لازم است که به ترک گناه مبادرت ورزد تا دین خود را که در شرف تباهی است رهایی بخشد»<sup>۵</sup>، لذا مباحثی در مورد توبه قبل از ورود به موضوعات اصلی سوره توبه بیان می‌شود.

### توبه؛ تطهیر جان و دل از آلودگی‌ها

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

بنده‌ای نیست که گناهی کند (هر چه و هر اندازه که باشد) سپس پشیمان شود و توبه کند مگر این که خداوند به مغفرت و آمرزش به او نظر کند، سپس پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصی که می‌خواست توبه کند فرمود: «برخیز و غسل کن و برای خدا سجده نما»<sup>۶</sup>.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۱ش، ج ۷، ص ۲۷۵.

۲. رک: ابن حنبل، مسند، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۳ و ج ۲، ص ۴۲۳؛ نسایی، خصائص، ۱۴۰۶ق، ص ۹۳؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظيم، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابن اثیر، جامع الاصول، مکتبه الحلوانی، ج ۸، ص ۶۶۰؛ طبری، ذخائر العقبی، ۱۳۵۶ق، ص ۶۹.

۳. «لا یذهب بها الا رجل منی و انا منه» (ابن حنبل، مسند، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۱۷۸).

۴. طبرسی، الاحتجاج، ترجمه، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۲۹۷.

۵. شیخ بهایی قدس سره، ریاض السالکین

۶. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۱۳

یکی از اهداف اساسی ادیان آسمانی و علوم روان‌شناختی، تحول و دگرگونی انسان‌ها است. ادیان آسمانی انسان‌هایی را که با عادات و رفتارهای بد خو کرده‌اند به بازگشت و دگرگونی فرا می‌خوانند. «توبه» مهم‌ترین و پرکاربردترین واژه‌ای است که در قرآن کریم گویای ضرورت بازسازی و دگرگونی انسان است. بر اساس آیات قرآن و سخنان پیشوایان دین، «توبه» دو معنای مهم دارد: الف) توبه به معنای «روی‌آوری به خدا (ایمان‌آوری)» است. (توبه از کفر) ب) توبه به معنای «روی‌آوری به خدا از خطا و گناه خاص» است. (توبه از معصیت)

بر اساس مفهوم توبه، چهار نتیجه روان‌شناختی برای توبه می‌توان در نظر گرفت:

۱. «ایجاد و ارتقاء معنای زندگی»<sup>۱</sup>؛

۲. کاهش کشمکش‌ها و تعارضات روانی - معنوی»<sup>۲</sup>؛

۳. «افزایش سلامت روانی»<sup>۳</sup>

۴. «ارتقاء رشد توحیدی»<sup>۱</sup>

۱. بر اساس متون دینی در فرآیند معناسازی بر اساس توبه، دست کم در سه سطح «شناخت‌ها و باورها»، «انگیزه‌ها و اهداف» و تلاش‌ها و رفتارها تغییرات اساسی رخ می‌دهد. در اثر توبه آنچه به فرد توبه کار انگیزه می‌دهد کسب رضایت خداوند است و در گزینش و انتخاب کارها می‌کوشد معیارهای خداپسندانه را در نظر بگیرد. بر اساس آیات قرآن یکی از پیامدهای مهمی که بر اثر محقق نشدن توبه در انتظار است، تجربه زندگی همراه با استرس و فشار روانی است. (طه/۱۲۴) راهکاری که قرآن برای برون رفت از این فشار و استرس به دست می‌دهد، توبه کردن است در علم روان‌شناختی به این موضوع «معناسازی» می‌گویند.

۲. برای افراد با ایمان که می‌کوشند رفتارهایشان با اراده خداوند همسو کنند آگاهی از گناه خویش ممکن است درد و احساس گناه شدیدی را برای فرد به بار آورد. چنین رنجی درباره فردی که امید به بهتر انجام دادن در آینده نداشته باشد (دارای احساس خودکارآمدی معنوی پایین) ممکن است شدت بیشتری داشته باشد. عواملی مانند افسردگی، احساس شرم، یا عزت نفس کم، موجب تقویت این نوع درماندگی است. اگر امکان توبه نبود حتی اگر انسان‌ها می‌فهمیدند که مسیری که می‌روند اشتباه است و از آن پشیمان می‌شدند، باز هم محکوم به نابودی و شقاوت بودند. توبه سبب می‌شود تا پذیرش فرد نسبت به خطاکاریش افزایش یابد. این پذیرش باعث می‌شود تا فرد در موقعیت‌های ناکامی درالتزام کامل به آموزه‌های دینی استرس کمتری را تجربه کند که این خود امکان شکل‌گیری احساس گناه سالم و قرار گرفتن در فرآیند اصلاح و جبران را افزایش می‌دهد.

۳. توبه سلامت روانی را در جنبه‌های مختلف افزایش می‌دهد. توبه هم هیجان‌ات مثبت (شادی، نشاط، علاقه) را در ما فعال می‌کند هم موجب افزایش احساس ارزشمندی، امیدواری و خوش بینی می‌شود. پس از آنکه فرد تصمیم می‌گیرد از کارها و خواهی‌گذشته دست بکشد در نتیجه به برخی کارهای جبرانی دست می‌زند. در اثر کم شدن ناهمخوانی بین وضعیت موجود و مطلوب، احساس علاقه، امید و شادی و نشاط می‌کند. پذیرفته شدن انسان مومن در درگاه الهی باعث نشاط او می‌شود. انجام دادن خطا موجب پیدایش احساس گناه در انسان می‌شود. احساس گناه زمانی در انسان پدید می‌آید که فرد حس می‌کند از نقطه آرمانی و مطلوب خود فاصله گرفته است. چنین فردی اگر از انجام دادن کار خطای خود پشیمان شود توبه کند و در صدد جبران برآید و خود را در آغوش رحمت و غفران الهی ببیند آن احساس گناه تبدیل به احساس خودارزشمندی می‌شود. زیرا خود را به اهداف و آرمان‌های مدنظر نزدیک می‌یابد. احساس خود ارزشمندی زمانی پدید می‌آید که ارزیابی فرد از خودش مثبت باشد و احساس کند خداوند از وی خشنود است.

## گناه گریزی<sup>۲</sup>؛ حقیقت توبه

"توبه" این نیست که ما فقط لفظ استغفرالله ربی و اتوب الیه را به زبان جاری کنیم. توبه یک حالت روانی و روحی و بلکه یک انقلاب روحی در انسان است که لفظ استغفرالله ربی و اتوب الیه بیان این حالت است، نه خود حالت و نه خود توبه.

اگر روزی یک بار توبه واقعی بکنیم، مسلماً مراحل و منازلی از تقرب به پروردگار را تحصیل می‌کنیم.<sup>۳</sup>

### فعالیت کلاسی

در گروه کلاسی بررسی کنید که چرا باید توبه کنیم؟ توبه چه تاثیری در زندگی ما دارد؟

توبه سه نفره

سه نفر از مسلمانان به نام کعب بن مالک و مراره بن ربیع و هلال بن امیه از شرکت در جنگ تبوک و حرکت همراه پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - سرباز زدند.<sup>۴</sup>

چیزی نگذشت آن سه نفر پشیمان شدند. هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - از صحنه ی تبوک به مدینه بازگشت، خدمتش رسیدند و عذرخواهی کردند، اما پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم -

۱. یعنی انسان خدا را در همه امور زندگی خود حاضر و ناظر بداند و در تمام لحظات به یاد خدا باشد. پژوهشگاه قرآن و حدیث قم محمدتقی تبریک.

۲. خصال، ج ۱ ص ۹.

۳. الهی، همه از گناه توبه می‌کنند، و حسن را از خودش توبه ده!

الهی، گویند که بُعد، سوز و گداز آوزد، حسن را به قرب سوز و گداز ده! (الهی نامه علامه حسن زاده آملی)

۴. تاریخ اسلام نشان می‌دهد که مسلمانان هیچگاه به اندازه ی جریان تبوک در فشار و زحمت نبودند. زیرا از طرفی حرکت به سوی تبوک در موقع شدت گرمای تابستان بود. و از سوی دیگر خشکسالی مردم را به ستوه درآورده بود. و از سوی سوم فصلی بود که می‌بایست مردم همان مقدار محصولی که بر درختان بود جمع آوری و برای طول سال خود آماده کنند. از همه اینها گذشته فاصله میان مدینه و تبوک بسیار طولانی بود. و دشمنی که می‌خواستند با او روبرو شوند، امپراطوری روم شرقی، یکی از نیرومندترین قدرتهای جهان روز بود. اضافه بر این ها، مرکب و آذوقه در میان مسلمانان به اندازه ای کم بود که گاه ده نفر مجبور می‌شدند به نوبت از یک مرکب استفاده کنند، بعضی از پیاده ها حتی کفش بپانداشتند و مجبور بودند با پای برهنه از ریگ های سوزان بیابان بگذرند، از نظر غذا و آب به قدری در مضیقه بودند که گاهی یک دانه خرما را چند نفر به نوبت، در دهان گرفته و می‌مکیدند تا موقعی که تنها هسته آن باقی می‌ماند و یک جرعه آب را چند نفر می‌نوشیدند. ولی با تمام این اوصاف مسلمانان غالباً روحیه ی قوی و محکم داشتند و علی‌رغم تمام این مشکلات به سوی دشمن همراه پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - حرکت کردند و با این استقامت و پایداری عجیب، درس بزرگی برای همه ی مسلمین جهان در تمام قرون و اعصار به یادگار گذاشتند. لذا در قرآن از جنگ تبوک به «ساعة الغسرة» (توبه/۱۱۷) تعبیر شده است.



حتی یک جمله با آن ها سخن نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که احدی با آن ها سخن نگوید. آن ها در یک محاصره ی عجیب اجتماعی قرار گرفتند، تا آن جا که حتی کودکان و زنان آنان نزد پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - آمدند و اجازه خواستند که از آن ها جدا شوند، پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - اجازه جدائی نداد، ولی دستور داد که به آن ها نزدیک نشوند.

فضای مدینه با تمام وسعتش چنان بر آن ها تنگ شد که مجبور شدند برای نجات از این خواری و رسوائی بزرگ، شهر را ترک گویند و به قله ی کوه های اطراف مدینه پناه ببرند. از جمله مسائلی که ضربه شدیدی بر روحیه ی آن ها وارد کرد این بود که کعب بن مالک می گوید روزی در بازار مدینه با ناراحتی نشسته بودم دیدم یک نفر مسیحی شامی سراغ مرا می گیرد، هنگامی که مرا شناخت نامه ای از پادشاه غسان به دست من داد که در آن نوشته بود اگر صاحب تو را از خود رانده به سوی ما بیا، حال من منقلب شد گفتم ای وای بر من، کارم به جایی رسیده است که دشمنان در من طمع دارند! خلاصه بستگان آنها غذا می آوردند، اما حتی یک کلمه با آن ها سخن نمی گفتند. مدتی به این صورت گذشت و پیوسته انتظار می کشیدند که توبه ی آن ها قبول شود و آیه ای که دلیل بر قبولی توبه ی آن ها باشد نازل گردد، اما خبری نبود. در این هنگام فکری به نظر یکی از آنان رسید و به دیگران گفت: اکنون که مردم با ما قطع رابطه کرده اند، چه بهتر که ما هم از یکدیگر قطع رابطه کنیم (درست است که ما گنه کاریم ولی باید از گنهکاری دیگری خشنود نباشیم). آن ها چنین کردند به طوری که حتی یک کلمه با یکدیگر سخن نمی گفتند و دو نفر از آنان با هم نبودند و به این ترتیب سر انجام پس از پنجاه روز توبه و تضرع به پیشگاه خداوند، توبه آنان قبول شد و آیه ای در این زمینه نازل گردید:

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّى إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

(همچنین) آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) تخلف جستند، (و مسلمانان با آنان قطع رابطه نمودند)، تا آن حدّ که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد؛ (حتّی) در وجود خویش، جایی برای خود نمی یافتند؛ (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز بسوی او نیست؛ سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود، (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه پذیر و مهربان است!

## یک درس بزرگ

از مسائل مهمی که از آیات فوق استفاده می شود، مساله ی مجازات مجرمان و فاسدان از طریق محاصره ی اجتماعی و قطع رابطه ها و پیوندها است. ما به خوبی می بینیم که این قطع رابطه در مورد سه نفر از متخلفان تبوک به قدری آن ها را تحت فشار قرار داد که از هر زندانی برای آن ها سخت تر بود، آن چنان که جان آن ها از فشار این محاصره ی اجتماعی به لب رسید و از همه جا قطع امید کردند. این موضوع آن چنان انعکاس وسیعی در جامعه ی مسلمانان آن روز از خود به جای گذاشت که بعد از آن کمتر کسی جرأت می کرد مرتکب این گونه گناهان شود. این نوع مجازات نه دردسر و هزینه زندان ها را دارد و نه خاصیت تنبل پروری و بدآموزی های آن ها را، ولی تأثیر آن از هر زندانی بیشتر و دردناکتر است.

این روش برخورد، در واقع یک نوع اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در برابر افراد فاسد است. اگر مسلمانان در برابر متخلفان از وظایف حساس اجتماعی دست به چنین مبارزه ای بزنند، به طور قطع در هر عصر و زمانی پیروزی با آن ها خواهد بود، و براحتی می توانند جامعه ی خود را پاکسازی کنند. اما روح سازشکاری که متأسفانه در بسیاری از جوامع اسلامی به صورت یک بیماری تقریباً همه گیر درآمده است، نه تنها جلو این گونه اشخاص را نمی گیرد، بلکه آنان را در اعمال زشت شان تشجیع می کند.<sup>۱</sup>

## ایستگاه تفکر



اعتصاب و مبارزه منفی جامعه در برابر انحراف و فساد

مربوط به کدامیک از فروع دین است؟



۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۸، ذیل آیه فوق

حدیث منزلت:

در روز اول ماه رجب سال نهم هجری قمری آخرین غزوه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در منطقه تبوک به وقوع پیوست. مثلث شرک، نفاق و یهود تلاش می‌کرد با طراحی نقشه‌ای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه سپاهیان از مدینه خارج سازد تا منافقان مدینه در خلأ حضور پیامبر کودتا کنند و حاکمی از جانب خود منصوب کنند و پایتخت حکومت اسلام را به دست گیرند. به همین دلیل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت امیرالمومنین علیه السلام را به عنوان جانشین خود در مدینه باقی گذاشتند. پذیرش این ماجرا برای منافقان بسیار سخت بود، لذا زبان به طعن

امیرالمومنین گشودند و گفتند:  
«اینکه رسول خدا علی را به جای  
خود در مدینه گذارده، نه به خاطر  
دوستی و گرمی داشتن و

بزرگواری او بوده است، بلکه از روی بی‌مهری با او نخواستند است علی را همراه خود ببرد.»

این در حالی بود که هدف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سپردن مدینه به حضرت امیرالمومنین این بود که راه نفوذ دشمنان و منافقان را به مدینه ببندد. این مسئله آن قدر دارای اهمیت بود که این تنها غزوه‌ای بود که حضرت علی علیه السلام در کنار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حضور نداشت. برای خنثی کردن جو سازی منافقان، امیرالمومنین علیه السلام سلاح خویش را برداشتند و در ناحیه جرف به پیامبر ملحق شدند و سخنان منافقان را برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیان نمودند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «ارْجِعْ يَا أُخِي إِلَى مَكَانِكَ فَإِنَّ الْمَدِينَةَ لَا تَصْلُحُ إِلَّا بِي أَوْ بِكَ فَأَنْتَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي وَ دَارِ هِجْرَتِي وَ قَوْمِي أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي؛ برادر من به جای خود بازگرد زیرا مدینه اصلاح نپذیرد جز به بودن من یا تو، پس تو جانشین من در میان خاندانم و محل هجرت من و عشیره‌ام هستی، آیا خوشنود نیستی که تو نسبت به من همانند هارون باشی نسبت به موسی جز اینکه پیغمبری پس از من نیست.»<sup>۱</sup>



۱. الارشاد، شیخ مفید، ج ۱، ص ۱۵۶.

یکی از احادیثی که شیعه امامیه در موضوع خلافت بلافصل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به آن تمسک جسته و استدلال کرده‌اند، همین حدیث منزلت است که در غزوه تبوک از ناحیه مقام نبوت صادر شده است و محدثان و مؤرخان اسلامی از تمام فرق بر نقل آن اجماع و اتفاق دارند.

### نصیحت شیطان!



نفس اماره و شیطان مظهر وسوسه های گناه آلود هستند اما جالب است که بدانیم روزی شیطان برای حضرت یحیی علیه السلام آشکار شد، اظهار داشت می‌خواهم تو را نصیحت کنم یحیی گفت من به نصیحت تو تمایل ندارم، ولی از وضع و طبقات مردم مرا

اطلاعی بده، شیطان گفت بنی آدم از نظر ما به سه دسته تقسیم میشوند:

اول؛ عده ای که مانند شما معصومند، چون از آنها مایوسیم از دستشان راحتیم میدانیم نیرنگ و حيله های ما در آنها تاثیر نمی‌کند.

دوم؛ دسته ای هم برعکس در پیش ما شبیه تویی هستند که در دست بچه های شما است، به هر طرف بخواهیم آنها را می‌بریم کاملاً در اختیار ما هستند

سوم؛ رنج و ناراحتی گروه سوم برای ما از دو گروه دیگر بیشتر است. یکی از ایشان را در نظر می‌گیریم جدیت زیاد می‌کنیم تا او را فریب دهیم، همین که فریب خورد و قدمی به میل ما برداشت یک مرتبه متذکر میشود و از کرده خود پشیمان میگردد، روی به توبه و استغفار می‌آورد، هرچه رنج برای او کشیده ایم از بین می‌برد باز برای مرتبه دوم در صدد اغواء و گمراهی بر می‌آییم این بار نیز پس از موفقیت که به گناه او را میکشیم فوراً متوجه شده توبه میکند نه از او مایوسیم و نه می‌توانیم مراد خود را از چنین شخصی بگیریم پیوسته برای اغواء این دسته در رنجیم!

۱. خزائن نراقی صفحه ۳۶۸، پند تاریخ جلد ۴ صفحه ۲۳۰

## فقط امید به خدا



روزی حضرت موسی علیه السلام در کوه طور در مناجات خود عرض کرد: یا اله العالمین (ای خدای جهانیان) جواب آمد لبیک (یعنی ندای تو را پذیرفتم) سپس عرض کرد یا اله المطیعین (ای خدای اطاعت کنندگان) جواب آمد لبیک سپس عرض کرد یا اله العاصین (ای خدای گنهکاران) دفعه سه بار شنید لبیک ، لبیک ، لبیک .

این

حضرت موسی علیه السلام عرض کرد خدایا حکمتش چیست که تو را به بهترین اسامی صدا زدم یک بار جواب دادی ، اما تا گفتم ای خدای گنه کارها سه بار جواب مرا دادی!؟

خطاب شد، ای موسی ، عارفان به معرفت خود و نیکوکاران به کار نیک خود و مطیعان به اطاعت خود اعتماد دارند، ولی گنهکاران جز به فضل من پناهی ندارند اگر من آنها را هم از درگاه خود نا امید گردانم به درگاه چه کسی پناهنده شوند!

## شفاعت توبه کاران

ابوبصیر گفت مرا همسایه ای بود از معاونین و همکاران سلطان جور، ثروت زیادی به دست آورده بود. چند کنیز آوازه خوان و مطرب داشت و پیوسته مجلسی از هواپرستان تشکیل میداد به لهُو و لعب و عیش و طرب می گذرانید

پیامبر خدا ﷺ  
إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ  
خداوند متعال ، جوان توبه کار را  
دوست دارد  
کنز العمال حدیث ۱۰۱۸۵

کنیزان آواز می خواندند و آنها شراب میخوردند ، چون مجاور با من بود همیشه به واسطه شنیدن آن منکرات از دست او ناراحتی داشتم چند مرتبه گوشزدش کردم ولی نپذیرفت ، آن قدر اصرار و مبالغه نمودم تا روزی گفت: من مردی مبتلا و اسیر شیطانم اما تو گرفتار شیطان و هوای نفس نیستی، اگر وضع مرا به صاحب خود حضرت صادق علیه السلام بگویی شاید خداوند مرا از پیروی نفس به واسطه تو نجات دهد. ابوبصیر گفت سخن آن مرد بر دلم نشست، صبر کردم تا زمانی که خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم داستان همسایه ام را به آن جناب عرض کردم فرمود: وقتی به کوفه برگشتی او به دیدن تو می آید بگو جعفر بن محمد علیه السلام می گوید آنچه از کارهای زشت می کنی ترک کن برایت بهشت را ضمانت میکنم به کوفه برگشتم. مردم به دیدنم آمدند. او نیز با آنها بود همینکه خواست حرکت کند نگاهش داشتم وقتی اطاق خلوت شد، گفتم وضع تو را برای حضرت صادق علیه السلام شرح دادم، فرمود او را سلام برسان و بگو آن حال را ترک کند تا برایش بهشت را ضمانت کنم.

گریه اش گرفت. گفت:

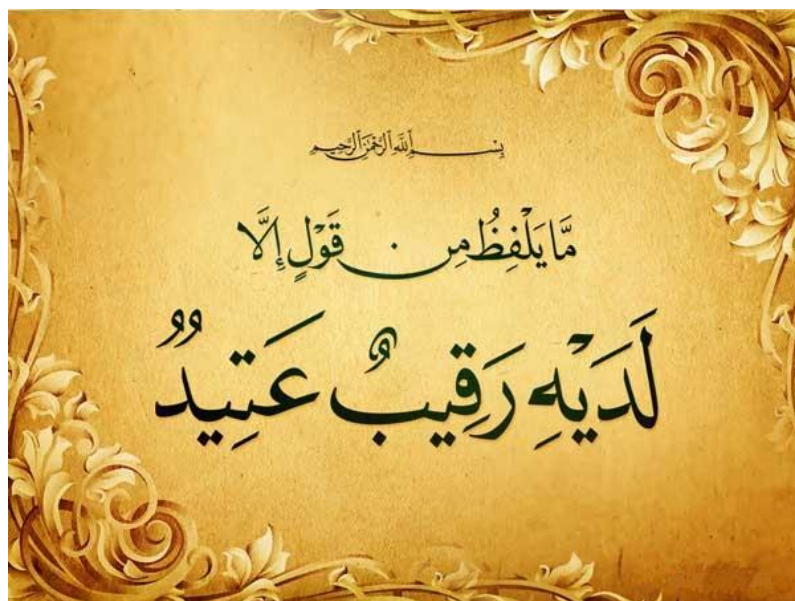


تو را به خدا قسم جعفر بن محمد علیه السلام این حرف را به تو فرمود؟ سوگند یاد کردم آری، گفت همین مرا بس است از منزل خارج شد، پس از چند روز که گذشت از پی من فرستاد، وقتی پیش او رفتم دیدم پشت درب ایستاده برهنه است گفت

هرچه در خانه مال داشتم در محلش صرف کردم و چیزی باقی نگذاشتم اینک می بینی از برهنگی پشت درب ایستاده ام، من به دوستان خود مراجعه کردم مقداریکه تامین لباسش را بکند تهیه نموده برایش آوردم، باز پس از چند روز دیگر پیغام داد مریض شده ام بیا تو را بینم در مدت مریضی اش مرتب از او خبر می گرفتم و با داروهایی به معالجه او مشغول بودم، بالاخره به حال احتضار رسید در کنار بسترش نشسته بودم و او در حال مرگ بود در این موقع بیهوش شد وقتی به هوش آمد(در حالی که لبخندی بر لبانش آشکار بود) گفت: ابابصیر! صاحب حضرت صادق علیه السلام به وعده خود وفا کرد. این به گفت و دیده از

جهان بربست. در همان سال وقتی به حج رفتم در مدینه خدمت حضرت صادق علیه السلام رسیدم درب منزل اجازه ورود خواستم. همینکه وارد شدم هنوز یک پایم در خارج و یکی داخل منزل بود که حضرت فرمود ابابصیر! ما به وعده خود نسبت به همسایه ات وفا کردیم!

### قانون حساب و کتاب



پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: مرد مومن تصمیم می گیرد عمل نیکی انجام دهد، اگر انجام نداد به همین تصمیم و نیت که داشت خدا او را یک حسنه پاداش می دهد اگر انجام داد ده برابر در نامه عملش نوشته می شود و اما شخصی تصمیم گناهی را می گیرد، چنانچه آن عمل از او سر نزد به واسطه تصمیم و نیت درباره اش گناهی ثبت نمیشود.

اگر نیت را به مرحله عمل رساند و آن گناه را انجام داد، باز هفت ساعت او را مهلت می دهند، ملکی که در طرف راست و متصدی کارهای نیک است به آن ملکی که در طرف چپ و مامور نوشتن اعمال زشت است می گوید ثبت نکن شاید کار نیکی انجام دهد که این عمل زشت را بر طرف نماید، زیرا خداوند



میفرماید (إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ) کارهای نیک گناهان را میزداید و یا ممکن است استغفار کند، اگر در مدت این هفت ساعت گفت (أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ) آن گناهی که انجام داده بود در نامه عملش ثبت نمی شود هرگاه هفت ساعت گذشت نه کار نیکی انجام داد و نه استغفار نمود همان ملک دست راست به ملک نویسنده گناه

۱. بحار الانوار جلد ۱۱ صفحه ۱۴۶ ، پند تاریخ جلد ۴ صفحه ۲۳۸

۲. هود/۱۱۴.

می گوید بنویس گناه او را که (بخاطر انجام ندادن عمل نیک و ترک توبه و استغفار) شقیّ و بدبخت و از رحمت خدا محروم گردید!

---

۱. وسائل الشیعه کتاب جهاد با نفس صفحه ۵۲۴، پند تاریخ جلد ۴ صفحه ۲۴۵



## داروی درمانگر؛ گنج نهفته



حضرت آیت الله بهجت <sup>قدس سره الشریف</sup> بارها به کسانی که از ایشان دستورالعملی برای پیشرفت در راه خدا و نیز برای رهایی از مشکلات می‌خواستند، به استغفار توصیه می‌کردند و این روایت رسول خدا صلی الله علیه و آله را یادآور می‌شد که «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِدَائِكُمْ وَ دَوَائِكُمْ؟ دَاوُكُمُ الذَّنُوبُ وَ دَوَاوُكُمُ الْإِسْتِغْفَارُ»؛ آیا شما را به دردتان و دوائتان خبر ندهم؟ درد شما گناهان است و دوائ شما استغفار.<sup>۱</sup>

ز بود مستعار استغفرالله  
از آن دم بیشمار استغفرالله  
نگشتم هوشیار استغفرالله  
که آید آن بکار استغفرالله  
از آنها الفرار استغفرالله  
زگفتم هزار استغفرالله  
من مهجور زار استغفرالله<sup>۲</sup>

ز هرچه غیر یار استغفرالله  
دمی کان بگذرد بی یاد رویش  
سر آمد عمر و یکساعت ز غفلت  
نکردم یک سجودی در همه عمر  
خطا بود آنچه گفتم و آنچه کردم  
ز کردار بدم صد بار توبه  
شدم دور از دیار یار ای فیض

۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۴۷۹ و نیز رک: بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۸۲. مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت رحمه الله. یک سفر که ایشان (حضرت آیت الله بهجت رحمه الله) مشهد تشریف داشتند، خدا توفیقی به ما داد خدمت ایشان مشرف شدیم. به ایشان گفتم: آقا می‌شود یک ذکری به ما بدید که دائمی باشد، خیلی بزرگ باشد. من فکر کردم ایشان یک دعاهاى خیلی طویل و طولانی را می‌فرمایند. فرمودند: «در قبال این ذکری که من دارم به شما می‌دهم اگر تمام گنج‌های عالم را جمع کنید بیاورید، بروید داخل کوه‌ها هر چه جواهر وجود دارد جمع کنید، بروید در دریاها هر چه مروارید وجود دارد جمع کنید با این ذکری که به شما می‌دهم برابری نمی‌کند». گفتم: آقا بفرمایید چه ذکری هست که اینقدر با همه جواهرات دنیا برابری نمی‌کند؟ ایشان فرمودند: «استغفار، استغفار، استغفار؛ اگر بدانید چه هست این استغفار! چه گنج‌هایی در این ذکر استغفار نهفته هست! باید بباید که این استغفار چیست». ایشان فرمودند: «زبانان وقتی به ذکر استغفار باز می‌شود، در حقیقت موانع همه بر طرف می‌شود و حوائج تان هم برآورده می‌شود. اصلاً استغفار صیقل دهنده روح است، شما را نزدیک می‌کند به خدا».

منبع: صحبت سالها | منتخبی از خاطرات حجت الاسلام والمسلمین علی بهجت (خبرگزاری رسمی حوزه، کد خبر: ۴۵۰۷۱۹)

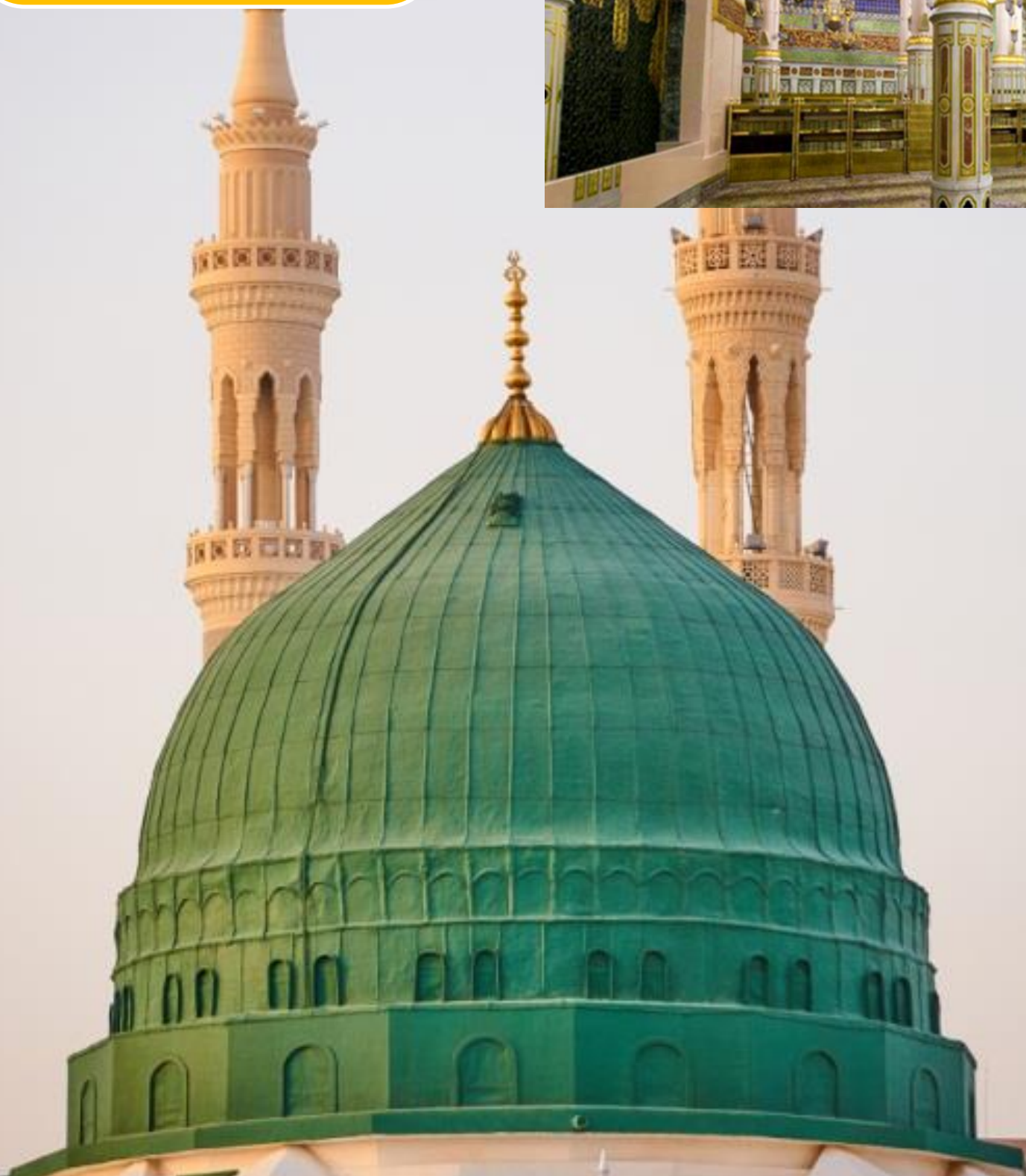
۲. ملا محسن فیض کاشانی رحمه الله. (۹۷۷-۱۰۵۸ هجری شمسی) حکیم، محدث، مفسر قرآن و فقیه شیعه.

## از اهل اطلاع پرسید

یکی از ستون های مسجد النبی صلی الله علیه و آله  
به نام «ستون توبه» نامگذاری شده است. تحقیق  
کنید علت این نامگذاری چیست؟



ستون توبه





### امان از عذاب خدا

امیرالمومنین علیه السلام فرمود: روی زمین دو امان از عذاب خدا وجود داشت، یکی از آن دو از میان شما رفت، پس کوشش کنید در نگهداری و مواظبت از دیگری. امانی که از دستتان رفت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بود، امانی که باقی است استغفار و طلب آمرزش است؛ زیرا خداوند می فرماید:

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ  
 وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ  
 وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

خداوند عذاب نمی کند ایشان را با آن که تو (ای محمد) در میان آنان باشی و خداوند عذاب نمی کند ایشان را با آن که ایشان از گناهان آمرزش جویند<sup>۱</sup>.

۱. انفال/۳۴- نهج البلاغه، حکمت ۸۸



“ او کیست؟  
..... ”

ایجا کجاست...



دعا و نیایش در محضر صحیفه سجاده<sup>۱</sup>

صحیفه سجاده کتابی حاوی ۵۴ دعا از امام سجاد علیه السلام است. این کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه مهم‌ترین میراث مکتوب شیعه به حساب می‌آید و به نام‌های خواهر قرآن و «انجیل اهل بیت» نیز مشهور است. امام سجاد علیه السلام بسیاری از معارف دینی را در دعا‌های خود بیان می‌کند. مُنَاجَاتُ التَّائِبِينَ یا مناجات توبه کنندگان، از مناجات‌های پانزده گانه است که از امام سجاد علیه السلام نقل شده است. موضوع آن توبه و استغفار است و در آن به آثار زیان‌بار گناه اشاره شده است.

## متن دعا



إِلَهِي الْبَسْتَنِي الْخَطَايَا تُوْبَ مَذَلَّتِي وَ جَلَلَنِي التَّبَاعُدُ مِنْكَ لِبَاسٍ مَسْكَنَتِي

خدایا! گناهان بر من لباس خواری پوشانده، و دوری از تو جامه درماندگی بر تنم پیچیده،

وَ أَمَاتَ قَلْبِي عَظِيمُ جِنَايَتِي فَأَحْيِهِ بِتَوْبَةٍ مِنْكَ يَا أَمَلِي وَ بُغْيَتِي وَ يَا سُوْلِي وَ مُنِيَّتِي

و بزرگی جنایتم دلم را میرانده، پس آن را با توبه به درگاهت زنده کن، ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم،

فَوَعَزَّتْكَ مَا أَجِدُ لِذُنُوبِي سِوَاكَ غَافِرًا وَ لَا أَرَى لِكَسْرِي غَيْرَكَ جَابِرًا

به عزتت سوگند برای گناهانم آمرزنده ای جز تو نمی یابم، و برای دل‌شکستگی ام جبران کننده ای جز تو نمی بینم،

وَ قَدْ خَضَعْتُ بِالْإِنَابَةِ إِلَيْكَ وَ عَنَوْتُ بِالْأَسْتِكَانَةِ لَدَيْكَ فَإِنْ طَرَدْتَنِي مِنْ بَابِكَ فَبِمَنْ أَلُوذُ

به پیشگاهت با توبه و انابه فروتنی نمودم، و با ذلت و خواری، به درگاهت تسلیم شدم، اگر مرا از درگاهت برانی به که روی آورم؟

وَ إِنْ رَدَدْتَنِي عَنْ جَنَابِكَ فَبِمَنْ أَعُوذُ فَوَا أَسْفَاهُ مِنْ خَجَلْتِي وَ افْتِضَاحِي

و اگر از آستانت بازگردانی به که پناه برم؟ در این حال افسوس از شرمندگی و رسوایی ام،

۱. محمدتقی مجلسی در شرح احوال خود می‌نویسد: «در اوایل جوانی به جهت برخی از مشکلات به امام زمان (عج) توسل جستیم. ایشان در مکاشفه‌ای مرا به صحیفه ارجاع دادند. بعد از انس با این کتاب همه مشکلاتم حل شد و به تبلیغ این کتاب در اصفهان پرداختم. در نتیجه در خانه‌های مردم اصفهان، در کنار قرآن یک نسخه از صحیفه هم یافت می‌شد و به برکت انس مردم با این اثر، نیمی از مردم اصفهان مستجاب الدعوه شده بودند.» (مجلسی، روضه المتقین، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۸۲). امام خمینی با صحیفه انس داشت. وقتی او را به ترکیه تبعید کردند، نامه‌ای به خانواده‌اش می‌نویسد و بعد از سفارش به صبر، درخواست فرستادن صحیفه را به آنکارا می‌کند (امام خمینی، صحیفه امام، ۱۳۸۹ش، ج ۱ ص ۴۲۸).



وَا لَهْفَاهُ مِنْ سُوءِ عَمَلِي وَاجْتِرَاحِي اَسْأَلُكَ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ الْكَبِيرِ وَيَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَسِيرِ  
و دروغ از زشتی کردار و فراهم آوردن گناهانم، ای آمرزنده گناهان بزرگ، و ای جبران کننده استخوان شکسته،

أَنْ تَهَبَ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ وَ تَسْتُرَ عَلَيَّ فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ

از تو درخواست می کنم که گناهان تباہ کننده ام را بر من ببخشایی، و بر من پوشانی پنهان کاری های رسواکننده ام را،

و لَا تُخَلِّبْنِي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ مِنْ بَرْدِ عَفْوِكَ وَ غَفْرِكَ وَ لَا تُعْرِئْنِي مِنْ جَمِيلِ صَفْحِكَ وَ سِتْرِكَ

و مرا در عرصه قیامت از نسیم گذشت و آمرزشت بی بهره مگذاری، و از پوشش زیبای چشم پوشی ات عریان و بی پوشش رها نسازی،

إِلَهِي ظِلٌّ عَلَيَّ ذُنُوبِي غَمَامَ رَحْمَتِكَ، وَ أَرْسِلْ عَلَيَّ غُيُوبِي سَحَابَ رَأْفَتِكَ

خدایا سایه رحمتت را بر گناهانم بینداز، و ابر مهربانی ات را به سوی عیبهایم گسیل کن،

إِلَهِي هَلْ يَرْجِعُ الْعَبْدُ الْأَبْقُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ أَمْ هَلْ يُجِيرُهُ مِنْ سَخَطِهِ أَحَدٌ سِوَاهُ

خدایا آیا برده فراری جز به جانب مولایش باز می گردد؟ یا کسی به او از خشم مولایش جز مولایش پناه می دهد؟

إِلَهِي إِنْ كَانَ النَّدَمُ عَلَيَّ الذَّنْبِ تَوْبَةً فَإِنِّي وَ عِزَّتِكَ مِنَ النَّادِمِينَ

خدایا اگر پشیمانی از گناه توبه است، پس به عزتت سوگند که من از پشیمانانم،

وَ إِنْ كَانَ الْأَسْتِغْفَارُ مِنَ الْخَطِيئَةِ حِطَّةً فَإِنِّي لَكَ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى

و اگر آمرزش طلبی از خطاکاری سبب فرو ریختن خطاها از پرونده است، من از آمرزش خواهانم، حق رضایت با توست تا راضی شوی،

إِلَهِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ تَبُّ عَلَيَّ وَ بِحِلْمِكَ عَنِّي اعْفُ عَنِّي وَ بِعِلْمِكَ بِي ارْزُقْ بِي

خدایا با قدرتت بر من توبه ام را بپذیر، و با بردباری است نسبت به من از من درگذر، و با آگاهی ات از حال من با من مدارا فرما،

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي فَتَحْتَ لِعِبَادِكَ بَابًا إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتُ:

خدایا تویی که به روی بندگانت دری به سوی بخششت گشودی و آن را توبه نامیدی، و خود فرمودی:

تَوْبُوا إِلَيَّ اللَّهُ تَوْبَةً نَصُوحًا فَمَا عُذْرٌ مَنْ أَعْفَلَ دُخُولَ الْبَابِ بَعْدَ فَتْحِهِ

«بازگردید به جانب خدا، بازگشتی خالصانه»، پس عذر کسی که از ورود به این در پس از گشوده شدنش غفلت ورزد چه می تواند

باشد؟



إِلَهِي إِنْ كَانَ قَبْحَ الذَّنْبِ مِنْ عَبْدِكَ فَلْيَحْسُنِ الْعَفْوَ مِنْ عِنْدِكَ

خدایا اگر نافرمانی و گناه از بنده ات زشت بود، پس گذشت از جانب تو زیباست،

إِلَهِي مَا أَنَا بِأَوَّلِ مَنْ عَصَاكَ فَتُبَّتْ عَلَيْهِ وَتَعَرَّضَ لِمَعْرُوفِكَ فَجُدْتَ عَلَيْهِ

خدایا نخستین، کسی نیستم که تو را نافرمانی کرده و حضرتت توبه پذیرش شدی، و خود را در معرض احسانت قرار داده و تو مرا مورد احسانش قرار دادی،

يَا مُجِيبَ الْمُضْطَرِّ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ يَا عَظِيمَ الْبِرِّ يَا عَلِيمًا بِمَا فِي السِّرِّ يَا جَمِيلَ السِّتْرِ

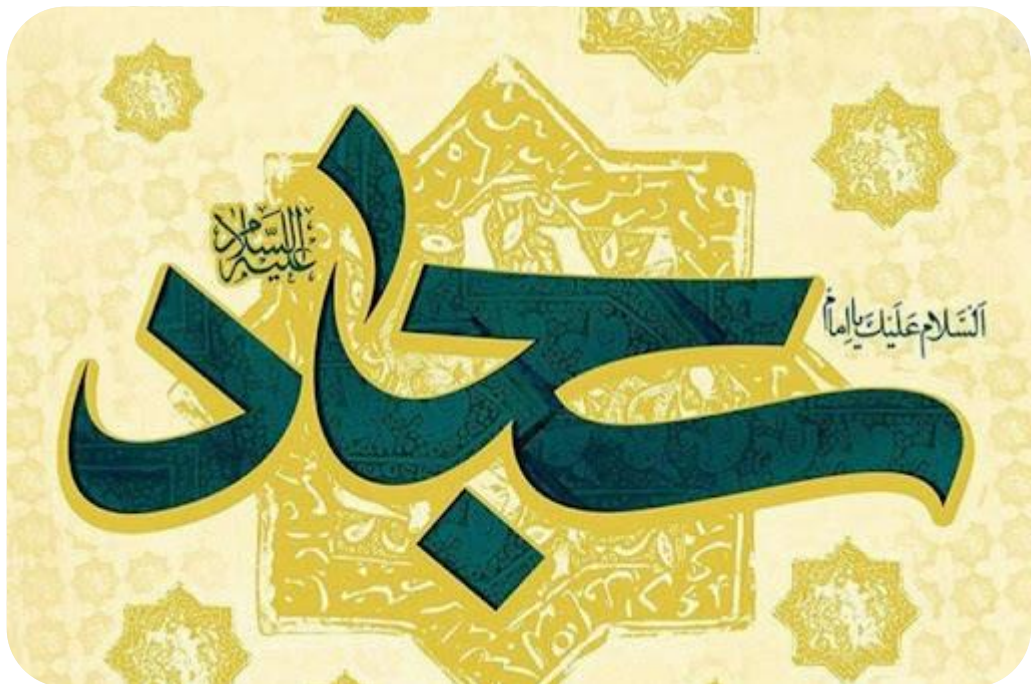
ای پاسخگوی درماندگان، ای برطرف کننده زیان، ای بزرگ نیکی، ای دانای نهان، ای زیبا پرده پوش،

اسْتَشْفَعْتُ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ إِلَيْكَ وَتَوَسَّلْتُ بِجَنَابِكَ وَتَرَحَّمِكَ لَدَيْكَ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي

به جود و کرمت به سوی تو شفاعت می جویم، و توسل می کنم نزد تو به فضل و رحمتت دعایم را اجابت کن،

وَلَا تُخَيِّبْ فِيكَ رَجَائِي وَتَقَبَّلْ تَوْبَتِي وَكَفِّرْ خَطِيئَتِي بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

امیدم را به خود ناامید مساز، و توبه ام را بپذیر، و با احسان و مهتر خطاهایم را نادیده گیر، ای مهربانترین مهربانان.





## خیاط لاله زا

«در سال ۱۳۵۴ شمسی در تابستان و در یکی از منازل تهران که خیاط بزرگی داشت منبر بودم. جمعیت زیادی می‌آمدند و خیاط پُر بود. وقتی از منبر پایین آمدم جوان شیک پوشی با لباس‌های آن چنانی و لباس‌های شبیه زنان روبه‌روی من نشست و گفت: آقا این حرف‌هایی که شب‌ها می‌زنی مربوط به کیست؟ فهمیدم که تازه وارد است، گفتم: چند شب است می‌آیی؟ گفت: دو شب. گفتم: حرف‌ها مربوط به سه نفر است: یکی آن که تو را خلق کرده است؛ یعنی خدا و دیگری پیغمبر اسلام که از همه بیشتر دلش برای بشر سوخت؛ سوم هم دوازده امام و مادرشان فاطمه زهراست. گفت: تکلیف ما با این حرف‌ها چیست؟ گفتم: نمی‌دانم شما چه کاره هستی؟ گفت: من در لاله‌زار تهران لباس زنانه می‌دوزم، لباس زن‌ها را هم خودم اندازه می‌گیرم و پروف می‌کنم!

گفت: تکلیف من چیست؟ گفتم: تکلیف این است که خود را از جهنم نجات بدهی. گفت: یعنی فردا بروم؟ گفتم: بله نرو؛ چون گناه را باید یک باره ترک کرد و واجب فوری است، و گناه امشب را نباید به یک لحظه دیگر انداخت. همین الان باید رابطه خود را با گناهی که به آن آلوده هستی قطع کنی؛ اگر ده دقیقه دیگر طول بکشد و مرگ تو فرا برسد، مرگ بسیار بدی خواهی داشت. اگر بی‌نماز هستی، باید همین الان با بی‌نمازی وداع کنی. اگر با پدر و مادر خود قهر هستی، همین الان باید تصمیم آشتی بگیری.

گفتم: همین الان باید از این شغل بیرون بیایی. گفت: چشم، اکنون اراده می‌کنم که دیگر از این شغل بیرون بیایم و از فردا هم دیگر سر این کار نمی‌روم.

این کار، واقعاً جهاد اکبر است و از جنگ با دشمن بیرونی سخت‌تر می‌باشد؛ چون در جنگ با دشمن بیرونی همه چیز تلخ است و همراه با کشتن و خونریزی و دود و آتش است؛ اما جنگ کردن با لذت نفس، جنگ با شهوت حرام، جنگ با ارتباط با نامحرم و خنده و کرشمه‌های آن چنانی، جهاد اکبر است؛ یعنی از جنگ با دشمن بیرونی هم خیلی سخت‌تر است و هم بهره آن خیلی بیشتر می‌باشد.

خلاصه، انقلاب پیروز شد و ده سال بعد از آن دیدار، روزی در شهر قم پیاده در خیابان ارم می‌رفتم، که ناگهان کسی از آن طرف خیابان مرا صدا زد، ایستادم، به من رسید و در آغوشم گرفت، چهره نورانی و ملکوتی داشت، آثار سجده به پیشانی‌اش هویدا بود. گفت: ناهار برویم خانه ما، گفتم: به کسی وعده داده‌ام، گفت: شام بیا، گفتم: می‌خواهم بروم تهران،

گفت: ده دقیقه بیا مسجد ما را ببین ما هشتاد نفر شهید داده‌ایم، دویست تا قاری قرآن داریم، خیلی بچه‌های با نشاطی هستند، به تو هم علاقه دارند. گفتم: آدرس مسجدت را بده می‌آیم. گفتم: از درس‌های طلبگی چه می‌خوانی؟ گفت: درس‌های مقدمات و سطح را خوانده‌ام و اکنون درس خارج و دوره اجتهاد را می‌گذرانم. گفت: بالاخره بعد از این برخورد و حرف‌ها ما را شناختی؟ گفتم: نه، من اولین بار است که تو را می‌بینم؛ اما چهره تو خیلی قشنگ است و همه چیز روحانیت به تو تمام است، ما با این که آخوند معروفی هستیم، قیافه تو را نداریم. دوباره

گفت: واقعاً شناختی؟ گفتم: نه، گفت: من همان جوان زنانه دوز لاله‌زار هستم!





## «تفسیر.....»



این تفسیر از تفاسیر ترتیبی قرآن به زبان فارسی، اثر آیت الله ناصر مکارم شیرازی و گروهی از نویسندگان حوزه علمیه قم است. تألیف این کتاب ۱۵ سال طول کشیده و نویسندگان کوشیده‌اند آیات قرآن را با زبانی ساده و روان ترجمه و شرح کنند. مؤلف در پیشگفتار این اثر، هدف از تألیف آن را ارائه تفسیری برای استفاده عموم مردم بیان کرده است. این تفسیر به زبان‌های عربی و اردو ترجمه شده است

آیت الله ناصر مکارم شیرازی (زاده ۱۳۰۵ش) مرجع تقلید و استاد درس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم است. او یکی از هفت مرجع معرفی شده از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۳ش بعد از درگذشت آیت الله محمدعلی اراکی بود. از ایشان تا دهه ۱۳۹۰ش، نزدیک به یکصد اثر منتشر شده است. این تفسیر، یکی از مهم‌ترین تفاسیر معاصر قرآن، حاصل کار گروهی به سرپرستی ایشان است. مدارس علمیه مانند مدرسه فقهی<sup>۱</sup> امام کاظم علیه السلام، مؤسسات پژوهشی مانند مرکز تخصصی شیعه‌شناسی و همچنین شبکه ماهواره‌ای ولایت از جمله مراکزی است که از سوی دفتر وی اداره می‌شود. آیت الله مکارم شیرازی، از روحانیان فعال و یکی از سخنرانان انقلابی بوده که پیش از انقلاب اسلامی در نقاط مختلف ایران دست به فعالیت زده و زندانی و تبعید شده است. او عضو مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است. در سال ۱۳۹۳ش، همایشی با مدیریت وی در قم و با عنوان «کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام» در واکنش به تحریکات گروه داعش برگزار شد و عالمانی از ۸۰ کشور جهان در آن حضور داشتند.<sup>۲</sup>

۱. مناسبت است مریبان با هماهنگی با مستولین، دانش آموزان را جهت بازدید از این موسسه همراهی نمایند.

۲. ویکی شیعه دانشنامه مجاری مکتب اهل بیت علیهم السلام

\*سردار سلیمانی دو سه سال قبل به دیدار ما آمده بود و بعد از اتمام صحبت به آقایان گفت که بیرون بروید؛ وقتی همراهان بیرون رفتند، کفن خود را بیرون آورد و گفت این کفن را امضا کنید. این مرجع تقلید اضافه کرد: این نشان می‌دهد که اولاً شهید سلیمانی از همان زمان به فکر رفتن بود و ثانیاً نمی‌خواست مردم بفهمند که او این کفن را آورده است؛ این اخلاص واقعا قابل ملاحظه و ستودنی است. (به نقل از آیت الله مکارم شیرازی)



### «تفسیر.....»

سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۲۸۱-۱۳۶۰ش) مشهور به علامه طباطبایی مفسر، فلیسوف، اصولی، فقیه، عارف و اسلام‌شناس. وی از عالمان تأثیرگذار شیعه در فضای فکری و مذهبی ایران در قرن ۱۴ش بود. او

نویسنده تفسیر ..... و کتاب‌های فلسفی بدایه الحکمه، نهایه الحکمه و اصول فلسفه و روش رئالیسم است. سید محمدحسین، در ۵ سالگی، مادر، و در ۹ سالگی پدرش را از دست داد.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی در حوزه علمیه قم به جای اشتغال به فقه و اصول، درس تفسیر قرآن و فلسفه برقرار کرد. این کار او موجب رونق دانش تفسیر در حوزه علمیه قم شد. روش تفسیری او تفسیر قرآن به قرآن بود. در دوران تعطیلی درس فلسفه، با برقراری جلسات هفتگی با شاگردان خاص خود تدریس مبانی فلسفی ملاصدرا و حکمت متعالیه را ادامه داد. بسیاری از مدرسان بعدی فلسفه در حوزه علمیه قم شاگردان او بودند.

شاگردان او همچون شهید مطهری، شهید بهشتی، آیت الله مصباح یزدی و آیت الله جوادی آملی را می‌توان جزو مؤثرترین و معروف‌ترین روحانیان شیعه در ایران در چهار دهه پایانی قرن ۱۴ش دانست. نشست‌های علمی او با هانری کربن فیلسوف و شیعه‌شناس فرانسوی زمینه‌ساز معرفی تشیع به اروپاییان شد. یک مجموعه مستند تلویزیونی با نام «حدیث سرو» نیز با هدف شناسایی شخصیت او ساخته شده است. در تهران یک دانشگاه به نام او نامگذاری شده است. وقتی برای مداوا به خارج رفته بود پزشکان گفته بودند که این مغز به اندازه ۷۰۰ سال کار کرده و تمام چروک‌هایش باز شده است. آرامگاه ایشان در حرم حضرت معصومه سلام الله علیها است.

۱. طباطبائی، بررسی‌های اسلامی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۱۹.



### «خاطراتی از علامه طباطبایی»

\*آیت‌الله ابراهیم امینی یکی از شاگردان علامه طباطبایی اظهار می‌دارد: «در هر مجلسی که در خدمت علامه طباطبایی می‌رسیدم، آن‌قدر اضافه رحمت و علم داشت و به‌اندازه‌ای سرشار از وجد و سرور و توحید بود که از شدت حقارت در خویش احساس شرمندگی می‌نمودم و معمولاً هر دو هفته یک‌بار به قم شرفیاب می‌شدم و زمان زیارت و ملاقات ایشان برایم بسیار ارزنده بود. هر موقع که خدمتشان می‌رسیدم، بدون استثنا برای بوسه زدن بر دستان علامه طباطبایی خم می‌شدم ولی آن حکیم و فیلسوف متواضع دست خود را لای عباي خویش پنهان می‌نمود و حالتی از حیا و شرم در ایشان هویدا می‌گردید که مرا منفعَل می‌نمود.»

یک روز عرض کردم ما برای برکت و فیض دست شمارا می‌بوسیم، چرا مضایقه می‌فرمایید؟ سپس افزودم آقا آیا شما این روایت را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در منابع شیعه آمده است: «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً: هر کس مرا نکته‌ای آموزد، مرا بنده خویش ساخته است.»، به خاطر دارید؟ علامه طباطبایی فرمودند: «بلی روایت مشهوری است.» عرض کردم: شما این‌همه معارف و مکارم به ما آموخته‌اید و کراراً مرا بنده خود ساخته‌اید، آیا از ادب بنده این نیست که دست مولای خود را ببوسد و بدان تبرک جوید؟! آنگاه علامه طباطبایی با تبسم فرمودند: «ما همه بندگان خدائیم.»

\*استاد محمدباقر موسوی همدانی مترجم تفسیر المیزان طی خاطراتی گفته است: «علامه طباطبایی قرآن را در خود پیاده کرده بود، وقتی در تفسیر قرآن به آیات رحمت و غضب و یا توبه برمی‌خوردیم، ایشان منقلب می‌شد و اشکش از دیدگانش جاری می‌گردید و در این حالت که به‌شدت منقلب به نظر می‌رسید می‌کوشید من متوجه حالش نشوم. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم من تفسیر فارسی را می‌خواندم و ایشان عربی را نگاه می‌کردند، و در باب توبه و رحمت پروردگار و آمرزش گناهان بودیم، ایشان توانست به گریه بی‌صدا اکتفا کند و رسماً زد به گریه و سرش را پشت کرسی پایین انداخت و شروع کرد به گریه کردن.»

\*برخی دانشمندان اروپایی مقیم ایران (که گویا فارسی می‌فهمیدند و در علوم اجتماعی و فلسفه متخصص بودند) آوازه علمی علامه طباطبایی را شنیده و علاقه داشتند ایشان را زیارت کنند. در قم به دنبال نشانی ایشان، به کلاس درسی وارد می‌شوند و می‌بینند که آقای بالایی مجلس است و فلسفه درس می‌دهد. آن‌ها هم نشستند و گوش کردند. استاد موضوعی را مطرح کردند و با براهینی آنرا اثبات نمودند و به شاگردان فرمودند: «پذیرفتید؟» همه پاسخ دادند: بلی، فرمودند: «اشتباه کردید، چون این‌طور نیست!» و دوباره برهان آوردند و اثبات مسئله را رد کردند و باز فرمودند: «پذیرفتید؟» همه پاسخ دادند: بلی. باز فرمودند: «اشتباه کردید...» و این موضوع را چند بار اثبات و هر اثبات را چند بار با براهین قوی رد کردند تا در نهایت پاسخ اصلی را دادند و درس به پایان رسید. آن دانشمندان پرسیدند: ایشان علامه طباطبایی بودند؟ شاگردان گفتند: خیر، ایشان تازه شاگرد فلسفه ایشان، علامه جعفری بودند!



## «خاطراتی از حر انقلاب»



طیب حاج رضایی از اون دست از لوطی های دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ تهران بود که عشقش به اباعبدالله الحسین علیه السلام سرنوشتش را شبیه حر، فرمانده لشکر یزید کرد.

طیب حاج رضایی که از اشرار و گردن کلفت‌های معروف عصر پهلوی پدر و پسر بود به کرات با اشاره دربار پهلوی و ساواک، اشرار و اراذل و اوباش جنوب شهر تهران را بسیج می کرد تا اعتراضات و شورش‌های خیابانی مردم و روحانیون در دهه ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ را سرکوب کند. طیب و دار و دسته اش در غائله ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش پررنگی در کودتا و بازگرداندن محمدرضا شاه داشتند خشونت و اعمال زور از ویژگی های زبانزد شخصیتی و دلیل

معروفیت طیب بود. او از جوانی به ورزش‌های باستانی و زورخانه ای علاقه زیادی داشت. به همین دلیل بدنی ورزیده داشت و بزن بهادر و اهل دعوا بود. در شهربانی تهران صدها شکایت درگیری و چاقوکشی از او ثبت بود و بارها محکوم و زندانی شده بود. وقتی نوجه‌هایش دور و برش جمع می شدند تصویری دلهره آور از طیب و دار و دسته اش در ذهن و دل رهگذران ایجاد می شد.

درباره چرایی دستگیری و محکومیت دو ساله طیب در سال ۱۳۱۶ از قول طیب آمده است: «اوایل دوران پهلوی بود. آن موقع من رضاخان را دوست داشتم. می‌گفتند آدم خوبی، مقتدره، با خداست. به مردم کمک می‌کنه و ... من دیده بودم که رضاخان توی محرم میون دار دسته تکیه دولت بود، خلاصه خیلی از رضاخان خوشم اومد. برای همین روی بدنم تصویر سر رضاخان رو خالکوبی کردم. اما وقتی که به قدرت رسید فهمیدم که این نامرد مهره

۱. خُرّین یزید ریاحی، از فرماندهان نظامی کوفه که پیش از واقعه عاشورا مأموریت یافت با سپاه هزار نفری، مانع حرکت امام حسین علیه السلام به سوی کوفه و نیز بازگشت او شود. حر در روز عاشورا، به سپاه امام حسین علیه السلام پیوست و در دفاع از او جنگید و به شهادت رسید. حر به سبب توبه و پیوستنش به امام، نزد شیعیان احترام خاص دارد. شیعیان حر را نماد امید به قبولی توبه و رستگاری بعد از آن می‌دانند. آرامگاه حر اکنون در سمت غربی کربلا به فاصله حدود هفت کیلومتر واقع شده است. مهاجر بن اوس نقل می کند که روز عاشورا حر گفت: «به درستی که خود را میان بهشت و جهنم می‌بینم و به خدا سوگند اگر تکه‌تکه شوم و مرا با آتش بسوزانند من جز بهشت چیز دیگری را انتخاب نخواهم کرد.» حر این را گفت و بر اسب خود نهبید زد و به سوی خیمه‌گاه امام علیه السلام حرکت کرد.

خارجی هاست. وقتی شروع کرد چادر رو از سر زن‌ها بگیره، خیلی از لوطی‌های تهران با مامورها و دولت رضاخان درگیر شدند. من هم چند بار با اون نامرد درگیر شدم. نمی‌گذاشتم توی محله ما کسی به ناموس مردم بی حرمتی کنه. نمی‌گذاشتم کسی چادر از سر زن‌ها بگیره. بعد از اون ماجرا رضاخان با امام حسین علیه السلام هم درگیر شد. وقتی اجازه برگزاری عزاداری نداد، همون موقع گور خودش را کند. ما اون موقع توی خونه خودمون مجلس روضه برگزار می‌کردیم. ایام محرم که می‌شد در و دیوار رو سیاه‌پوش می‌کردیم و خرج می‌دادیم. من در غیر ایام محرم، مرتب به دنبال دوست و رفیق بودم. ورزش باستانی می‌کردم. شب‌ها هم مرتب از این کافه به او کافه؛ از این قهوه‌خونه به اون قهوه‌خونه.»

شهید مهدی عراقی، از پایه‌گذاران حزب مؤتلفه اسلامی خاطره جالبی درباره یکی از علت‌های تحول روحی - فکری طیب نقل کرد.

وی گفت: «برای دیدن مرحوم طیب، رفتیم و گفتیم که ما منزل آقا (امام خمینی) بودیم. آن جا به مناسبتی صحبت شد و اسم شما وسط آمد. بچه‌ها گفتند که این دسته ای که روز عاشورا ما می‌خواهیم راه بیندازیم ممکن است اینها (طیب و دار و دسته اش) بیایند و نگذارند و بهم بزنند.» آقا گفت: «نه، اینها علاقمند به اسلام هستند و اینها هم اگر یک روزی، یک کارهایی کرده‌اند. اینها کسانی هستند که نوکر امام حسین هستند و در عرض سال، همه فکرشان این است که محرمی بشود، عاشورایی بشود به عشق امام حسین سینه بزنند؛ خرج بکنند؛ چه بکنند و از این حرف‌ها، خاطر جمع باشید.»

وی ادامه داد: «مرحوم طیب این صحبت‌ها را که شنید، جواب داد: «اینها (ساواکی‌ها) عید هم از ما می‌خواستند استفاده بکنند (در جریان جنایت مدرسه فیضیه). شما خاطر جمع باشید که اینها تا حالا چندین بار سراغ ما آمده‌اند و ما جواب رد به آنها داده‌ایم. حالا هم همین جور است.» بعد، همان جا دست کرد و یک ۱۰۰ تومانی به اصغر پسرش داد و گفت: «می‌ری عکس حاج آقا را می‌خری و می‌بری توی تکیه و به علامت‌ها می‌زنی.» در زمانی که بردن نام امام خمینی، مجازات سختی در پی داشت، مشخص است که بالا بردن تمثال ایشان در بین جمعیت، چه عواقبی می‌تواند داشته باشد اما طیب به دلیل ارادت به ایشان و سایر روحانیون، عکس امام را روی عَلم عزای حسین علیه السلام نصب کرد و در عزای سیدالشهدا چرخاند.»

یکی از افراد مطلع از واقعه تعریف کرد که: «ایجاد آشوب و حمله به طلاب فیضیه را نخست از طیب خواسته بودند و چون طیب زیر بار این ننگ نرفت، انجام این جنایت به دار و دسته شعبان بی‌مخ سپردند.»

روز ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ طیب میدان بارفروش ها را تعطیل کرد تا تظاهرات با شور بیشتری برگزار و تاثیر بیشتری داشته باشد. شهید مهدی عراقی، در خاطره ای تعریف کرد: «رژیم از طیب توقع داشت که حداقل، جلوی این تظاهرات را در داخل میدان بگیرد ولی طیب این کار را نکرد. وقتی او را می گیرند و می برند، از او می خواهند یک فرم را امضا کند تا آزاد شود. تقریباً مساله و مضمون آن فرم این بود که آقای خمینی یک پولی به من داده که بیایم هم چنین حادثه ای را خلق بکنم و من هم آمده ام، مثلاً، یک ۲۵ زار (ریال) داده ام و مردم، این کارها را کرده اند. اما طیب قبول نمی کند. نصیری رییس وقت ساواک تهدیدش می کند و طیب هم به نصیری ناسزا گفت.»

طیب به دلیل طرفداری از بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به زندان افتاد به همین دلیل مورد توجه ویژه محافل مذهبی و روحانیون قرار داشت حتی امام خمینی نیز به مرحوم طیب توجه داشت.

مسیح حاج رضایی برادر طیب هفته ای یک بار برای ملاقات به زندان می رفت. او در خاطراتش از طیب گفت: «او را خیلی اذیت کرده و شکنجه می دادند. به من پیشنهاد کرده اند تا در رادیو و تلویزیون اعلام کنم که آقای خمینی به من پول داده تا مردم را تحریک کنم که شلوغی به راه بیندازند اما برادر، اگر مرا زیر شکنجه وادار به هر اقراری بکنند، حاضر نخواهم شد به آبروی پسر فاطمه لطمه بزنم حتی اگر به قیمت جانم تمام بشود.»

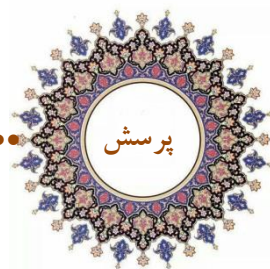
مرحوم آیت الله سید تقی موسوی درچه ای در خاطره از دستگیری و شکنجه طیب توسط مزدوران ساواک گفت: «او را شکنجه کردند و گفتند بگو از خمینی پول گرفته ام و این غائله را راه انداخته ام اما او در عوض گفته بود: «من عمر خودم را کرده ام بنابراین حاضر نیستم در پایان عمر خود، به کسی که جانشین ولی عصر است و مرجع تقلید هم هست، تهمت بزنم. من به امام حسین و دستگاه او خیانت نمی کنم.»

مرحوم آیت الله سید تقی موسوی درچه ای در خاطره ای از شب شهادت طیب و حاج محمداسماعیل ، گفت: «در شب اول شهادت طیب، در تمام کتابخانه های عمومی قم، مثل مسجد اعظم، کتابخانه فیضیه، کتابخانه حضرت معصومه و کتابخانه های دیگری که دایر بود، ۱۵۰۰۰ نفر از روحانیون برای مرحوم طیب و حاج اسماعیل رضایی نماز وحشت خواندند.»



«آگه یه روز خمینی رو دیدی: سلام  
منو بهش برسون بگو خیلی ها شما رو  
دیدند و خریدند، ما ندیده شما رو  
خریدیم» طیب حاج رضایی

شهید حاج مهدی عراقی تعریف کرد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی زندانیان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به دیدار امام رفتند در آخر جلسه حسین شمشاد به امام خمینی گفت: «من پیغامی از طرف طیب حاج رضایی برای شما دارم. طیب گفت من دیگر امام را نمی بینم ولی شماها ایشان را خواهید دید. اگر امام را دیدی به ایشان بگویند طیب ندیده شما را خرید اما همه شما را دیدند و خریدند. در آن لحظه اشک از چشمان امام جاری شد و فرمود که «حقیقتا طیب حاج رضایی حر دیگری بود برای اسلام و یک آزاد مرد بود.»



۱. چرا سفارش شده است که هر روز قرآن بخوانیم؟
۲. نام دیگر سوره توبه چیست؟
۳. چرا سوره توبه بسم الله ندارد؟
۴. اگر سوره توبه بسم الله ندارد پس چرا قرآن ۱۱۴ بسم الله الرحمن الرحیم دارد؟
۵. آیا بسم الله ابتدای سوره، جزء سوره هست یا خیر؟
۶. کربلایی کاظم چگونه حافظ کل قرآن شد؟
۷. چرا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دیگران را از ابلاغ سوره توبه منع کرد؟
۸. دو مظهر اصلی وسوسه های گناه آلود را نام ببرید.
۹. بر اساس روایات، درد و درمان انسان ها چیست؟
۱۰. آیا تغییر و تحول روحی مقدم بر استغفار است؟ توضیح دهید
۱۱. دو معنای مهم توبه را بیان کنید
۱۲. حقیقت توبه چیست؟



۱۳. «گناه کردن عیب است و عیب بزرگتر، توبه نکردن است» این جمله را توضیح دهید.
۱۴. انسانها از جهت تبعیت از شیطان به چند دسته تقسیم می شوند؟ توضیح دهید.
۱۵. چرا خداوند جوان توبه کار را دوست دارد؟
۱۶. چهار نتیجه روانشناختی توبه چیست؟ توضیح دهید.
۱۷. احادیث و کلام امامان معصوم چه تاثیری در زندگی ما دارد؟
۱۸. دو امان و ایمنی از عذاب در زمین چیست؟
۱۹. در مورد قانون حساب و کتاب توضیح مختصری بیان کنید.
۲۰. در مورد تاریخچه ستون توبه در مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم توضیح مختصری بیان کنید.
۲۱. علت توبه رسول ترک چه بود؟
۲۲. کدام آیه در سوره توبه درس مسئولیت پذیری در جامعه را به مسلمین گوشزد می کند؟
۲۳. چرا حضرت علی علیه السلام در غزوه تبوک شرکت نکردند؟
۲۴. حدیث منزلت چیست؟ توضیح دهید.
۲۵. چرا امام سجاد علیه السلام روش دعا را در پیش گرفتند؟
۲۶. صحیفه سجادیه مشتمل بر چه دعاهایی است؟
۲۷. نویسندگان کتاب تفسیر نمونه و المیزان را نام ببرید.
۲۸. چه کسی لقب حرّ انقلاب را گرفت و چرا؟

### تحقیق خارج از کلاس و کنفرانس کلاسی

۱. آیین توبه در مسیحیت چگونه است؟
۲. یک دعا از صحیفه سجادیه انتخاب و توضیح مختصری در مورد آن بیان کنید.
۳. یک مجموعه جهل حدیثی (مورد نیاز نوجوانان) تهیه و بعد از تکمیل تحویل مربی طرح امین دهید.

# آموخته

مهمترین مطالبی که در این درس فراگرفتم عبارت اند از:



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

مجموعه «پیام‌های امین» زیر نظر مدارس امین حوزه علمیه قم با رویکرد قرآنی و با توجه به راهکار سند تحول در زمینه تقویت همکاری با حوزه‌های علمیه<sup>۱</sup>، قدمی کوچکی در راستای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. از مهم‌ترین اهداف این مجموعه تقویت انس با قرآن در دانش آموزان، اعتقاد به توحید و معاد و ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش آموزان، ایجاد سازوکارهای ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ولایت مداری، تولی و تبری<sup>۲</sup> است.

موضوعات و درس‌های این کتاب در سه گام طراحی شده است که عبارت‌اند از:

گام اول؛ قرآن شناسی. گام دوم؛ دین شناسی. گام سوم؛ الگوشناسی.

---

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فصل هفتم هدف‌های عملیاتی و راهکارها ص ۴۱.

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، شورای عالی انقلاب فرهنگی، فصل هفتم، هدف‌های عملیاتی و راهکارها ص ۳۲، ۳۵.